

Controlling Access to the Internet:

The Role of Filtering

کنترل دسترسی به اینترنت:

نقش فیلتر کردن

نویسنده: آر.اس. روزنبرگ^۱ (R. S. Rosenberg)

دانشکده علوم کامپیوتر دانشگاه بریتیش کلمبیا^۲

آدرس سایت مقاله:

<http://www.copacommission.org/papers/rosenberg.pdf>

1_ R. S. Rosenberg

2_ British Columbia

کلید واژه ها: آزادی بیان، فیلترها، اینترنت، کتابخانه‌ها، اخلاقیات، ایالات متحده

چکیده

کنترل دسترسی به اینترنت با استفاده از نرم‌افزار فیلتر کردن، به صورت یک صفت در حال رشد، در ایالات متحده و دیگر جاها درآمده است. استفاده از آن به عنوان پاسخی اجباری به بلایای کنونی جامعه است. بلایایی چون هرزه‌نگاری، خشونت، نفرت و به طور کلی هر چیز ناخوشایند و تهدیدکننده دیگر. محدودیت احتمالی دسترسی به پایگاه‌های اینترنتی که در مورد موادمخدر بحث می‌کنند بدون آنکه حمایت متمایزکننده‌ای از تحلیل علمی و آگاهانه اعتیاد نمایند نیز به طور بالقوه نگران کننده است. با پیدایش جنبش منشاء خلقت که به حذف نظریه «تکامل» در درون تعهد دارد (تکامل انسان از میمون و غیره) انتظار می‌رود که تلاش‌هایی برای محدود نمودن دسترسی به پایگاه‌هایی که چنین نظریه‌هایی را ارائه می‌دهند در حوزه‌های قضایی خاصی در ایالات متحده صورت پذیرد. روشی انتخابی که در حال حاضر برای محدود کردن دسترسی ترجیح داده می‌شود فیلتر کردن مطالب جنسی و وسیله سد کردن دسترسی به پایگاه‌های اینترنتی خاص، رجوع شده به وسیله URIs آنها، و چه با استفاده از دسته بزرگی از کلمات کلیدی برای جلوگیری از دسترسی به پایگاه‌هایی که شامل یکی یا چند از این کلمات است. یکی دیگر از تمهیدات زیرکانه تشویق و یا حتی مجبور نمودن تمامی پایگاه‌های اینترنتی در رتبه‌بندی مطالب خود در راستای جنبه‌های گوناگون مانند خشونت، زبان، افشاگری جنسی و برهنگی است. سپس مرورگر فردی می‌تواند برنامه‌ریزی گردد تا فقط به مراجعی رجوع شود که در زیر سطح نمای از پیش تعیین شده قرار دارد. خطرات برای آزادی بیان در چنین تدابیری برای اجباری نمودن استفاده از فیلتر کردن و یا برنامه‌های رتبه‌بندی توصیف خواهد شد و همچنین برخی تصمیم‌گیری‌های اخیر دادگاه در رابطه با استفاده از آنها در کتابخانه به بحث گذاشته خواهد شد.

کنترل دسترسی به اینترنت توسط نرم‌افزار کنترل‌کننده، تبدیل به یک صنعت رو به رشد در ایالت متحده و دیگر کشورها شده است. این اقدام به عنوان پاسخی اجباری به بلایای کنونی جامعه مانند هزینه‌نگاری، به نظر می‌آید رو به افزایش نهاده است. در دستور کار مفاد قانونی، محدودیت دسترسی به هر پایگاه اینترنتی قرار دارد که در مورد مواد مخدر بحث نماید بدون آنکه از تحلیل آگاهانه و عملی در مورد اعتیاد صحبت نماید. (برنامه‌های در دست اجرا ۲۰۰۰) با رشد جنبش منشاء خلقت که به حذف نظریه تکامل در کتب درسی متعهد است انتظار می‌رود که تلاش‌هایی برای محدودیت دسترسی به پایگاه‌های ارائه دهنده نظریه تکامل علمی در حوزه‌های قضایی خاصی در ایالات متحده صورت پذیرد. در این مقاله به اختصار راهبردهای حاکم بر برنامه‌های فیلترکننده جاری و همچنین موضوعات آشکار موجود در اینترنت که محرک استفاده از فیلترها در عرصه‌های خصوصی و عمومی هستند تشریح شده است. زمینه این تحریک، مجموعه‌ای از فشارهای سیاسی و اجتماعی، جهت اقدام بر علیه موضوعات مسئله‌دار واقعی و ادراکی اینترنت است. این انگیزه، خود را در قوانین پیشنهادی و وضع شده و نیز در برخی دعاوی حقوقی نشان می‌دهد.

برای حمایت از نقطه نظرات فعلی بر علیه استفاده اجباری از برنامه‌های فیلتر کننده در کتابخانه‌ها و مراکز اجتماعی و سایر مکان‌های عمومی، بعضی از قوانین و دعاوی فوق‌الذکر مرور شده و به خدمت گرفته شده‌اند. تمرکز من بر ایالات متحده است زیرا مباحث مربوط، موضوع اقدامات قانونی و مباحث و مناظرات گسترده هستند. در مقاله دیگری در خصوص فیلتر کردن (رزنبرگ^۱ ۱۹۹۹) تمرکز بر این بود که چگونه کتابداران در قبال مسئولیت حرفه‌ای‌شان برای فراهم نمودن دسترسی باز به اطلاعات و همچنین مسئولیت اجتماعی‌شان نسبت به اعضای جامعه چه پیر و چه جوان برخورد می‌نمایند. دست‌اندرکاران زیاد و متغیر هستند - افراد و خانواده‌های مربوطه، کتابداران، هیئت‌های کتابخانه و مدرسه، قانونگذاران ایالتی، قاضی‌ها، اعضای کنگره، سناتورها، گروه‌های مذهبی، گروه‌های آزادی‌های مدنی، حامیان اینترنت و البته رسانه‌ها - و انگیزه این گروه‌ها همیشه واضح نیست. مانند بسیاری از مسائل دیگر که آمیخته با سیاست و اخلاق است داستان فیلترکردن هم جدید و هم به گونه‌ای آشنا است. برای درک کامل ابعاد مسئله پیش روی کسانی که خواهان کنترل شبکه جهانی

اینترنت هستند باید اندازه فعلی (تقریبی) و سرعت رشد (باز هم تقریبی) آن را داشت. خوشبختانه آمارهای اخیر از OCLC (مرکز کتابخانه کامپیوتری آن لاین) در دست می‌باشد که یک سازمان تحقیقاتی است که هدفش دسترسی (عمومی) بیشتر به اطلاعات جهانی و کاهش هزینه‌های اطلاعات است. OCLC نتایج بررسی ژوئن ۱۹۹۹ خود را در سپتامبر ۱۹۹۹ (آمار شبکه ژوئن ۱۹۹۹) گزارش نمود. تعداد کلی پایگاه‌های اینترنتی منحصر به فرد حدود ۳/۷ میلیون تخمین زده شد که تقریباً ۲/۲۳ میلیون پایگاه عمومی و ۳۸۹۰۰۰ پایگاه خصوصی و بیش از یک میلیون موقتی بودند. تخمین زده می‌شود که صحت این ارقام بین ۳٪ تا ۱۰٪ متغیر باشد. پایگاه‌های عمومی به طور تقریبی شامل حدود ۲۹۰ میلیون صفحه (۳۵٪) است. سرعت رشد پایگاه‌های منفرد عمومی بسیار زیاد است: ۱۷۹٪ بین ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹. شبکه بسیار وسیع است و با سرعت بیشتری وسیعتر می‌شود. این سرعت رشد، مسائل بسیاری در رابطه با دستیابی را ایجاد می‌کند چرا که قابل دسترسی بودن صفحات وارد شده به شبکه توسط جویشگران^۱ مستلزم بررسی و دسته‌بندی آنهاست.

البته در مورد آمار شبکه اتفاق نظر وجود ندارد. در یک مقاله منتشر شده در نشریه Nature (لارنس) لی^۲ (۱۹۹۹) تعداد پایگاه‌های اینترنتی عمومی در فوریه ۱۹۹۹ حدود ۲/۸ میلیون تخمین زده شد. تعداد صفحات قابل فهرست شدن ۸۰۰ میلیون یعنی بیش از ۲/۵ برابر مقادیر اشاره شده قبلی تخمین زده شده است. نتایج بر اساس یک بررسی کامل بر روی ۲۵۰۰ کارساز^۳ اینترنتی به دست آمده است. بعلاوه لارنس ولی به صورت دستی این کارسازها را طبقه‌بندی کرده و گزارش دادند که حدود ۸۳٪ آنها شامل موضوعات تجاری هستند. (به عنوان مثال Home Page های شرکت‌ها)

۱۷٪ باقیمانده، در خصوص موضوعات علمی/آموزشی ۶٪، هرزه‌نگاری ۱/۵٪، دولت ۱/۲٪، بهداشت ۲/۸٪، شخصی ۲/۳٪، اجتماعی ۱/۴٪، مذهب ۸٪ و انجمن‌ها ۲٪ بودند. توجه داشته باشید که برخی پایگاه‌ها طبقه‌بندی چندگانه دارند. به جز برای گروه علمی آموزشی، هیچ شاخصی برای این گروه‌ها وجود ندارد. بر اساس این مقاله ۱/۵ میلیون صفحه هرزه‌نگاری وجود دارد، هر چند عبارت مشخص‌کننده این امر ناشناخته است. بسته به دیدگاه افراد در این مورد این رقم می‌تواند عددی بزرگ و یا کوچک باشد. در بخش بعدی نگرانی‌های گوناگونی در رابطه با استفاده از فیلتر و

1_ Search engines

2_ Larence and Lee

3_ Server

راهبردهای سدکننده مورد بحث قرار می‌گیرد و توصیف می‌گردد. علاوه بر آن راهبردهای متفاوت به کار گرفته شده در این مورد مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش مربوط به ملاحظات قانونی و حقوقی، وضعیت موجود قانون در ایالات متحده تشریح می‌شود و تعدادی از لایحه‌های قانونی بلا تکلیف، طرح شده در کنگره آمریکا برای اجباری نمودن فیلتر کردن در کتابخانه‌ها و مدارس عمومی شرح داده می‌شود. در نهایت موضع اتخاذ شده در این مقاله به طور خلاصه آمده است و حامیان آزادی بیان و جستجوی باز ترغیب به تجدید تلاش برای دفاع از این آزادی‌ها شده‌اند.

فیلترها: ملاحظات تکنیکی حقوقی و اجتماعی

فیلترها برنامه‌هایی هستند که برای محدودیت دسترسی به پایگاه‌های اینترنتی گروه‌های خبری و اتاق‌های گپ با بکارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها طراحی شده‌اند. در این بخش تعاریفی ارائه می‌شود، مشکلات مرتبط با فیلترها بر شمرده می‌شود و دلایل حمایت‌کننده‌ای برای استفاده از فیلترها نیز ارائه می‌گردد.

فیلترها چگونه کار می‌کنند؟

مهم است که راهبردهای متفاوت برای محدودیت دسترسی به پایگاه‌های اینترنتی و گروه‌های خبری را تمیز دهیم. ساده‌ترین راه گردآوری فهرستی از URIها و گروه‌های خبری است که می‌باید مسدود شوند. اینچنین فهرستی باید به طور مستمر و متناسب با رشد پویای اینترنت به روز شوند. افراد زیادی باید درگیر انجام این کار شوند و باید در یک مجموعه توافق شده و کاملاً تحت هدایت دسته‌ای از خط‌مشی‌ها عمل نمایند.

این فیلترها نیاز به کاربرانی دارند که به طور منظم آخرین فهرست پایگاه‌های مضر را پیاده کرده و آن را قبول نمایند پایگاه‌های غیرقابل قبول را که جدید کشف شده به فهرست ممنوعه اضافه کنند. اشکال این راهبرد قبول قضاوت دیگران است به این معنی که بنگاه‌های انتفاعی تابع فشارهای بازار در تعیین پایگاه‌های خارج از محدوده می‌شوند. راهبرد دیگر گردآوری فهرستی از کلید واژه‌های انگلیسی مشخص‌کننده موضوعاتی در پایگاه‌های اینترنتی است که برای مشاهده، غیرقابل تشخیص

داده شوند. برای انعکاس توضیحات دقیق و یا موضوعات جدید می توان این فهرست را به طور منظم بازنگری کرد. کلیدواژه ها و حتی مجموعه ای از آنها گاهی نمایش دهنده و انعکاس صبغی از معانی متون هستند. و بنابراین ممکن است باعث مسدود شدن پایگاه های مجاز شوند. جاذبه آنها در این است که ظاهراً مؤثرند زیرا اگر منظور مسدود نمودن دسترسی به پایگاه های محتوی مطالب و تصاویر زنان برهنه باشد، کلید واژه هایی مانند لختی، برهنگی، عریانی و زنان، برهنگی و زنان باید مؤثر باشد. آخرین دسته عمده راهبردهای مسدود و یا فیلتر نمودن مشابه سیستمی است که به وسیله آن لوح های فشرده، کاست ها، فیلم ها و برنامه های تلویزیونی را ممیزی می کنند. توضیح ساده آنکه از پایگاه های اینترنتی انتظار می رود محتویات خود را در راستای جنبه هایی چند، چون پرده دری های جنسی، برهنگی، زبان و تصاویر مستهجن و خشونت بار رتبه بندی نمایند. سیستم ممیزی با کمک معیارهای ساده اسمی، می تواند در یک چارچوب تعریف شود که نمای خصوصیات پایگاه های قابل قبول را برای کاربر مورد نظر مشخص نماید. برای مثال اگر یک پایگاه ممیزی شده حتی در یک بعد از چارچوب تجاوز کرده باید توسط مرورگر¹ مسدود شود. اینچنین سیستمی علاوه بر سایر چیزها نیاز دارد که پایگاه های خود را ممیزی کند. این ممیزی باید به درستی منعکس کننده محتویات پایگاه باشد. کاری که بی اهمیت نیست و موضوع عدم توافق هایی به حق است و این عدم توافق ها در مورد ممیزی می باید به وسیله هیئتی بی طرف داوری گردد. همچنین لازم است که پایگاه های خود را رتبه بندی نمایند و برای داشتن وضعیتی بی عیب پایگاه های ممیزی نشده به صورت خودکار سد می شود. مطالب بسیار بیشتری درباره پیامدهای احتمالی سیستم های خودممیزی وجود دارد.

تعاریف (هوچیزر² ۱۹۹۸) از CPSR (متخصصین کامپیوتر برای مسئولیت اجتماعی) گرفته شده است. CPSR سازمانی فعال در رابطه با مسائل اجتماعی متعدد مرتبط با استفاده از کامپیوتر است.

یک فیلتر محتوا، یک یا چند قطعه نرم افزار است که برای جلوگیری از دیدن موضوعات خاص در اینترنت، توسط کاربران عمل می کنند. این فرایند دارای دو جزء است.

ممیزی: برای دسته بندی پایگاه های اینترنتی بر اساس محتوای آنها قضاوت های ارزشی اعمال می شود.

این ممیزی یا از تعابیر ساده مانند مجاز/غیرمجاز استفاده می کند شبیه آنچه در برنامه هایی مانند

1_ Browser
2_ Hocheiser

Cybersitter یا *Netnam y* وجود دارد یا اینکه می تواند گزینه های متعددی داشته باشد مانند آنچه در سیستم های ممیزی بر اساس صحنه هایی برای انتخاب مطالب اینترنت دیده می شود.

فیلتر کردن: با هر درخواست برای اطلاعات، نرم افزار فیلتر کننده منبعی را که کاربر درخواست کرده است بررسی می کند. اگر منبع در فهرست غیرمجاز باشد یا اگر مجوز PICS ممیزی را نداشته باشد، نرم افزار فیلتر کننده به کاربر می گوید که دسترسی امکان ندارد و مرورگر نمی تواند محتویات پایگاه اینترنتی را نمایش دهد. با توضیحات بیشتر، انجمن کتابخانه آمریکا به سؤال «نرم افزار مسدودکننده/فیلترکننده چیست؟» اینگونه پاسخ می دهد: (*American Library Association* 1997) نرم افزار مسدودکننده/فیلترکننده یک سازوکار است که برای موارد زیر مورد استفاده قرار می گیرد:

- دسترسی به موضوعات اینترنت را بر اساس بانک داده ها درونی محصول، محدود می نماید و یا
 - دسترسی به موضوعات اینترنت را از طریق بانک داده های نگهداری شده در خارج از خود محصول، محدود می نماید و یا
 - دسترسی به موضوعات اینترنت را تا رتبه بندی خاصی که در مورد پایگاه ها توسط طرف سوم تعیین گردیده، محدود می نماید و یا
 - دسترسی به موضوعات اینترنت را به وسیله بررسی محتوا بر اساس کلمات کلیدی عبارت و یا زنجیره متنی محدود می نماید و یا
 - دسترسی به موضوعات اینترنت بر اساس منبع اطلاعات را محدود می نماید.
- در نهایت تعریفی از PICS (رزنتیک¹ ۱۹۹۷) عملکرد یک سیستم بر اساس سازوکار ممیزی را مطرح نماید:

کنسرسیوم انستیتو تکنولوژی شبکه جهانی در ماساچوست دسته ای از معیارهای فنی به نام PICS (صحنه انتخاب محتوای اینترنت) را تدوین نموده تا افراد بتوانند به صورت الکترونیک توصیف کارهای دیجیتالی را به شکلی ساده که قابل خواندن به وسیله کامپیوتر باشد، پخش نمایند. کامپیوترها می توانند این برجسب ها را در زمینه پردازش نموده و به صورت خودکار کاربران را از مطالب نامطلوب حفظ نموده و یا نظر آنها را به پایگاه های موردعلاقه جلب نمایند. انگیزه اولیه برای PICS

این بود که به اولیاء و معلمین این امکان داده شود که مطالبی را که احساس می نمودند برای کودکان در استفاده از شبکه، نامطلوب است حذف نمایند. به جای آنکه، آنچه را که پخش می شود سانسور نمایند - کاری که لایحه نزاکت در ارتباطات و دیگر مفاد قانونی سعی در انجام آن داشته‌اند - PICS، کاربران را قادر می سازد آنچه را که دریافت می کنند کنترل نمایند. البته این تعاریف تنها تعاریف موجود نیستند. اما نمونه‌هایی از طیف وسیعی از محصولات هستند که بازار پرقابلی را تشکیل می دهند. عامه مردم در آمریکای شمالی به نظر می رسد که متقاعد شده‌اند که مشکلی جدی در رابطه با دسترسی به مطالب زنده در اینترنت وجود دارد و فیلترها بهترین راه حل هستند.

مطالبی که نگرانی را برمی‌انگیزد

چه کسی می خواهد محتوای اینترنت را کنترل و همچنین دسترسی به آن را محدود نماید؟ بسیاری از والدین از اجازه دادن به کودکان برای دسترسی به اینترنت بدون سرپرستی آنها درهراسند چرا که تجربیات شخصی در کشف موضوعات غیرقابل قبول برای کودکان، نگران کننده است و همچنین جریان مستمر گزارشات تلویزیونی و روزنامه‌ها، اغلب بدترین موارد را برجسته می نمایند. به عنوان مثال پاملامندلز^۱ از New York Times مورد زیر را گزارش می دهد (مندلز ۱۹۹۹)

پیمایشی جدید از معلمین مدارس دولتی که آن لاین (Online) هستند به عنوان مثال نشان می دهد که ۵۸ درصد پاسخ دهندگان گزارش داده‌اند که دسترسی به اینترنت در مدارس آنها فیلتر می شود. این افزایش ۳۸ درصدی را نسبت به معلمین گزارش شده در سال گذشته بر اساس داده‌های «کیفیت آموزش» که شرکتی تحقیقاتی در زمینه بازارآموزشی در دنور^۲ است را نشان می دهد. این شرکت ۴۰۳ معلم در مدارس سراسر کشور را مورد پیمایش قرارداد.

در این بین تقریباً یک سوم و خانوارهای آن لاین آمریکایی که دارای کودک هستند از نرم افزارهای مسدودکننده بر طبق گزارش دیگری که اخیراً به چاپ رسیده، استفاده می نمایند. در سرشماری از والدین کودکانی که در خانه به اینترنت دسترسی دارند، مرکز سیاست گذاری عمومی انبرگ که وابسته به دانشگاه پنسیلوانیا است دریافت که ۳۱ درصد آنان از ابزارهای فیلتر کردن استفاده

¹ _ Pamela Mendels
² _ Denver

می نمودند. همین مطالعه همچنین دریافت که اولیاء دارای احساساتی چندگانه درباره اینترنت هستند. بیش از ۸۰ درصد بیان داشتند که کودکان آنها از اینترنت برای تکالیف مدرسه استفاده می کنند و شبکه جهانی این امکان را برای آنها فراهم نموده چیزهای مفید اعجاب برانگیز بسیاری را کشف نمایند. اما ۷۷ درصد همچنین گفته اند که می ترسند بچه ها اطلاعات شخصی رابه صورت آن لاین اعلام نمایند و ۶۰ درصد بیان داشته اند که مدت زمان بسیار به صورت آن لاین کودکان را از دیگران منزوی تر می کند، احتمالاً از همه مهمتر آنکه ۶۰ درصد پاسخ دهندگان بیان دانسته اند که با این مطلب موافق نیستند که اینترنت زمکانی امن برای کودکان آنهاست.

دیگر یافته های جالب به این صورت در گزارش آمده است: (تارو^۳ ۱۹۹۹)

- بیشتر والدین با داشتن ارتباط اینترنتی در خانه درباره تأثیر شبکه بر کودکان خود در هراسند. والدین آن لاین می توانند به سه گروه: نگران - دلسرد و مشتاق تقسیم شوند. گروه مشتاق که تنها گروه با نگرشی مثبت به اینترنت هستند فقط ۳۹٪ والدین آن لاین را تشکیل می دهند.

- ۳۲٪ والدین با اتصال اینترنتی از نرم افزارهای حفاظتی که دسترسی کودکان به پایگاه ها را محدود می سازد استفاده می کنند که نشان دهنده این موضوع است که گروه قابل ملاحظه ای از والدین سعی در کنار آمدن با نگرانی های خود به روش های گوناگون دارند.

در خلاصه یافته های پیمایش، نویسنده هراس هایی را که اغلب والدین در آن شریکند را مشخص نموده است: والدین در مورد دو ویژگی برنامه های شبکه که در تلویزیون عادی و کابلی وجود ندارد نگرانند: ماهیت کاملاً گشوده آن و تعامل موجود در آن، والدین نگرانند که شبکه به دلیل بازبودن بی نظیرش دسترسی آسان همگانی به مطالب جنسی، ضدارزش ها و تاجر مآبی خطر ساز باشد.

همچنین به دلیل ماهیت تعاملی بی نظیر شبکه از آن در هراسند. از پتانسیل آن در تجاوز به حریم خصوصی خانواده و سوء استفاده بزرگسالان از کودکان از طریق آن نگرانند. این نگرانی ها در میان بسیاری از والدین افزایش یافته است چرا که آنان فکر نمی کنند که این فناوری را به خوبی می شناسند که بتوانند از آن بهترین استفاده را نمایند. اما عقیده دارند که کودکان آنها به این فناوری نیاز دارند.

بنابراین نگرانی هایی که والدین در مورد این فناوری جدید احساس می نمایند زمینه مساعدی را برای نظارت، کنترل و محدود نمودن دسترسی به اینترنت فراهم نموده، سیاستمداران، متصدیان قانونگذاری

گروه‌های خاص مذهبی و دیگران با نگرانی‌های به ظاهر واقعی در مورد رفاه کودکان مایلند و حتی مشتاقند که با اینترنت به عنوان محدوده‌ای مخاصم برخورد شود. رسانه‌ها در ایجاد این موقعیت شریکند چرا که دائماً، اینترنت را به عنوان وسیله‌ای هم انقلابی و هم خطرناک معرفی می‌کنند. مطالعه تارو در مورد گرایشان رسانه‌ها در مورد گزارش وقایع اینترنت شاهدی بر این مدعاست که در آن وی متوجه شد که: گرچه به طور کلی شبکه بیانگر اینترنت به عنوان پدیده «جکیل و هاید» است که در آن والدین با پشتیبانی کمی از طرف جامعه رها شده‌اند تا کنترل را به دست بگیرند.» یافته‌های زیر را در نظر بگیرید که در آن پیمایش گسترده‌ای برای این مطالعه صورت گرفته است:

- جنایات جنسی در رابطه با کودکان و شبکه در هر چهار مقاله یک مورد را اشغال کرده است. عادی‌ترین موضوعات جنایی مطرح شده، شکارگران جنسی و هرزه نگاری با استفاده از کودکان است.

- مسائل ناراحت‌کننده در رابطه با شبکه و خانواده در دو سوم مقالات بررسی شده، نشان داده می‌شود. مسائلی که مطرح می‌گردد اغلب محدود - اغلب به صورت جرایم جنسی، هرزه‌نگاری و تجاوز به حریم خصوصی است.

- منافع شبکه برای خانواده‌ها در نیمی از کل مقالات وجود دارد اما هم‌پوشی کمی با نکات منفی دارد. دنیای خطرناک اینترنت و تصویر دوستانه و مفید فضای کامپیوتری در مقالات متفاوت و به صورت نامرتبط با یکدیگر نشان داده می‌شود.

- هنگامیکه در مقالات از مردم درباره اینترنت و خانواده نقل قول می‌شود منابع بیشتری خطر است اینترنت را در مقایسه با منافع آن بیان می‌دارند. مسئولین دولتی و متصدیان اعمال قانون با بیشترین فراوانی و به صورتی کاملاً منفی درباره تأثیر شبکه بر کودکان و خانواده صحبت می‌نمایند. تعلیم‌دهندگان اغلب مثبت صحبت می‌کنند اما به ندرت نظرات آنها نشان داده می‌شود.

- به دلیل تأکید بر جنایت، گزارشگران اغلب به دولت و قوه قضائیه برای راه حل می‌نگرند. راه‌حلهایی که ارائه می‌شود اغلب یا به صورت تکه‌تکه (به عنوان مثال دستگیری مظنون به سوء استفاده جنسی از کودکان) و یا در هم و برهم و غیر قطعی است (مانند قانون حمایت از کودکان در مقابل هرزه نگری‌های شبکه بدون اعتبار قانونی از نظر دادگاه)

نسخه به روز شده این پیمایش، اخیراً نشان می‌دهد که تغییر زیادی صورت نگرفته است. مدت کوتاهی پی از آنکه پیمایشی که قبلاً درباره آن صحبت شد، صورت گرفت، شرکت نرم‌افزار W ebsense، که اتفاقاً تولیدکننده برنامه‌های فیلترکردن است، نتایج مطالعه‌ای را که انجام داده بود، اعلام نمود. مکات زیر در (لازاروس¹ ۱۹۹۹) منعکس گردید:

شرکت نرم‌افزار W ebsense در ماه گذشته پیمایشی را انجام داد و کاملاً از کشف این موضوع شوکه [در متن دوبار این کلمه آورده شده] شد که بسیاری از کودکان از پایگاه‌های غیرمجاز در شبکه هنگامیکه در مدرسه از آن استفاده می‌نمایند، بازدید می‌کنند...

تدلاد مدیر قسمت روابط عمومی شرکت در مورد نتایج پیمایش گفت: «ممکن است که این مسئله واضحی باشد اما خوب است مردم بدانند در مدرسه چه می‌گذرد.»

بر طبق پیمایشی که از ۵۰۱ نوجوان بین ۱۳ تا ۱۷ ساله صورت گرفت ۵۸ درصد کاربران جوان شبکه اعتراف نمودند که از پایگاه‌هایی که دارای مطالب سکسی، خشونت، مطالب مربوط به نفرت و یا موسیقی که ممکن است توهین کننده به افراد باشد در هنگام استفاده از اینترنت از طریق کامپیوترهای مدرسه بازدید کرده‌اند. این موضوع ممکن است چشم ۱۷۳ تن از والدینی را که در پیمایش شرکت کرده‌اند را نیز باز نماید. سه چهارم کل آنان بیان داشتند که آنان همه چیز را و یا تا حد زیادی می‌دانند که بچه‌های آنها وقت خود را چگونه در شبکه می‌گذرانند.

W ebsense ادعا می‌نماید که فیلترهای وی در حدود ۲۵۰۰ مدرسه در سطح کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما برای اطمینان، نسخه‌هایی مجانی از خلاصه‌ای از پیمایش را به صدها مدرسه دیگر نیز فرستاده است. نامناسب نیست که بگوییم نتایج این مطالعه نه تنها تعجب‌انگیز نیست بلکه دارای منافع شخصی برای انجام‌دهنده آن است. بچه‌ها چه کار دیگری به غیر از دنبال مطالب غیرمجاز بودن در شبکه انجام می‌دهند؟ احتمالاً خرید می‌کنند، دوست‌یابی می‌کنند و یا دوستان قبلی را حفظ می‌نمایند. یک پیمایش به نام «کودکان آن لاین» (۱۹۹۹) این نتایج را نشان می‌دهد: این پیمایش نشان می‌دهد که تمایل به تجارت الکترونیک در سنین پایین شروع می‌شود به عنوان مثال:

- یک نفر از هر شش نفر کودک اجازه دارند که از طریق اینترنت خرید نمایند.

- یک نفر از هر هفت نفر در واقع چنین می‌کنند.

- ۵۲٪ از کودکان که مورد پرسش قرار گرفتند از والدین خود خواسته‌اند چیزی را بخرند که در شبکه دیده‌اند.

- ۴۶٪ والدین گفتند که از آنها خواسته شده چیزی بخرند...

اینکه ۴۲٪ مشترک یک پایگاه و یا دیگر خدمات آن لاینر شمرده‌اند بیانگر زمینه‌ای از نگرانی بالقوه است. این به رغم این حقیقت است که تقریباً ۸۵٪ والدین قوانین بر علیه این موضوع دارند و ۸۰٪ کودکان بیان می‌دارند قوانین بر علیه این موضوع دارند و ۸۰٪ کودکان بیان دارند که آنان این قوانین را می‌دانند.

موضوع دیگر آن است که آنان با چه کسانی به صورت آن لاین ملاقات می‌کنند:

- تقریباً ۵۰٪ بچه‌ها دوست جدیدی در شبکه یافته‌اند آماري که هم برای دختران و هم پسران صدق می‌کند.

- ۴۲٪ والدین می‌دانند که فرزندان آنها دوستانی آن لاین دارند.

اگر اینترنت برای بچه‌ها آن‌گونه که والدین بسیاری اعتقاد دارند محیط نامنی است، رشد تجارت الکترونیک نیازمند آن است که آن را محیط امنی بسازیم، پس فیلتر کردن به عنوان بخشی از راهبرد کاری در این زمینه درست به نظر می‌رسد. علاوه بر آن دارای این مزیت مشخص است که قدرت لازم را در دست‌های والدین و مسئولین محلی قرار می‌دهد و نه دولت مرکزی، به جز موارد خاصی چون هرزه‌نگاری با استفاده از کودکان. بنابراین چه موضوع مربوط به حریم خصوصی و یا محتوای مطالب اینترنتی باشد موقعیت غالب بازار بر خودتنظیمی است.

معهداً آن‌گونه که خواهیم دید دولت مرکزی ایالات متحده خود را بسیار علاقمند به اجباری نمودن استفاده از فیلترها برای حمایت از کودکان در هر مکانی که پول دولت باعث ایجاد تسهیلات در دسترسی به اینترنت بوده است نشان می‌دهد.

یک مورد اخیر از این دیدگاه تجاری کنفرانس بود که توسط بنیاد برتلزمن^۱ و با بودجه شرکت رسانه‌ای بین‌المللی در آلمان در سپتامبر گذشته برگزار شد. در این کنفرانس یادداشتی توسط گروه بین‌المللی هدایت‌کننده تهیه و ارائه گردید. عنوان آن به هیچ وجه تعجب‌انگیز نیست: «خودتنظیمی

محتوای اینترنت (۱۹۹۹). پیشنهادات کلیدی این گزارش در رابطه با بحث پیش‌رو جالب است و هر چند که فهرست آن طولانی است که انگیزه‌های بخش اعظم بازار را نشان می‌دهد:

۱- اینترنت: طریق زندگی مردم را تغییر می‌دهد

اینترنت روش زندگی مردم را تغییر خواهد داد. موفقیت‌های خارق‌العاده‌ای را برای بالابردن خلاقیت و یادگیری، دادوستد و ارتباط با خارج از مرزها، حفظ حقوق بشر، اثبات ارزش‌های مردم‌سالارانه و تقویت کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی... ایجاد می‌نماید. سازوکارهایی می‌باید در مقابل محتوای غیرقانونی، حمایت آن لاین از کودکان و همچنین حفظ آزادی بیان به کار گفته شود.

۲- خود تنظیمی محتوای اینترنت

به سمت رویکردی منظم، منسجم و بین‌المللی هیچ رویکرد واحدی که بر یک شکل و با یک دسته از دست‌اندرکاران تکیه داشته باشد نمی‌تواند راه‌حلی برای نگرانی‌های موضوعات اینترنت در محیط متغیر و درگذار اینترنت ارائه دهد...

با در نظر گرفتن معماری جهانی و بدون مرز اینترنت چنین رویکرد منظمی، هم نیازمند همکاری در سطح کشور و منطقه است و هم گستره آن باید بین‌المللی باشد.

۳- صنعت اینترنت: توسعه و اجراء طرز عمل

به عنوان بخشی از اصول و ضوابط عمل، فراهم‌کنندگان مطالب اینترنتی وظیفه دارند موضوعات غیرقانونی را هنگامیکه به آنان توجه داده می‌شود که چنین موضوعاتی وجود دارد، حذف نمایند... این به نفع صنعت است که چنین مسئولیتی را به عهده بگیرد از آنجا که اعتماد مشتریان بالا می‌رود و در نهایت به نفع تجارت است.

۴- مشارکت در مسئولیت

سازمان‌های خودتنظیمی برقرارکننده ضوابط عمل به منظور مؤثر بودن، ضوابط عمل می‌باید محصول سازمان‌های خود تنظیم‌شده و به وسیله آنها اعمال گردد. چنین سازمان‌هایی می‌باید نماینده بخش وسیعی از جمعیت باشد و در دسترس تمامی طرف‌های مربوط قرار داشته باشند.

۵- دولت‌ها: حمایت‌کننده و برقرارکننده خودتنظیمی

خودتنظیمی، بدون حمایت متصدیان دولت عمل نماید چه این حمایت به صورت عدم مداخله در فرایند ممیزی باشد و چه به صورت تأیید و یا به رسمیت شناختن ضوابط ممیزی و حمایت از طریق اعمال آن‌ها باشد.

۶- سیستم‌های ممیزی و فیلتر کردن

تقویت انتخاب کاربران فناوری فیلتر کردن می‌تواند کاربران را به وسیله اجازه دادن به آنها در انتخاب انواع موضوعاتی که آنان و کودکانشان در معرض آن قرار می‌گیرند، توانمند نماید. اگر منطقی از آن استفاده شود این فناوری می‌تواند کمک نماید کنترل و مسئولیت موضوعات مضر از دولت، سازمان‌های تنظیم‌کننده و گروه‌های سرپرستی به اشخاص انتقال یابد....

۷- فیلتر کردن اینترنت: حصول اطمینان از حفاظت از کودکان و آزادی بیان

یک سیستم خوب فیلتر کردن، ارزش‌های مهم چندی را به رسمیت می‌شناسد: خودمختاری کاربر نهایی، احترام به آزادی بیان، تنوع جهان‌بینی، شفافیت، احترام به حریم خصوصی، قابلیت کاربری داخلی و قابلیت رقابت ...

دولت‌ها و یا سازمان‌های نظارتی می‌باید فیلترهایی را فراهم نمایند اما استفاده از آنها نباید اجباری باشد.

۸- خطوط تلفن مستقیم: در میان گذاشتن و ارزیابی نگرانی‌های مربوط به محتوا

ما نیازمند ابزارهای ارتباطی فنی و سازماندهی برای اطمینان از این موضوع هستیم که کاربران بتوانند به محتوای اینترنت که از نظر آنان به میزان قابل ملاحظه‌ای نگران‌کننده است، عکس‌العمل نشان دهند... قانون‌گذاران می‌باید حداقل ضروریات لازم در مورد ساختار سازمانی و فرایندهای خط مستقیم را شکل داده و در عوض آنان را از شمول جنایی و مدنی که در انجام صحیح کار پیش می‌آید حفظ نمایند (ساحل امن)

۹- همکاری بین‌المللی

عمل در مقابل موضوعات در جایی که قرار دارد می‌باید شبکه‌ای از تلفن‌های تحت نظر چارچوبی توافقی که شامل حداقل معیارها در کار با موضوعات محتوایی و اجزاء توجه دوجانبه بین خطوط است ایجاد شود.

۱۰- چارچوب قانونی

محدودیت در الزام قانونی نباید مسئولیت جنایی فقط برای دسترسی و فراهم نمودن شبکه برای انتقال محتوای غیرمجاز طرف سوم که در زمان واقعی از طریق شبکه‌های آن‌ها صورت گرفته وجود داشته باشد.

۱۱- اجراء قانون: همکاری و کارآموزی مداوم

ایجاد گروه‌های اعمال‌کننده قانون برای مبارزه با جرم کامپیوتری و محتوای غیرقانونی مانند هرزه‌نگاری با استفاده از کودکان در شبکه می‌باید از اولویت بالایی برخوردار باشد

۱۲- یک سیستم یادگیری: آموزش و ارزیابی مداوم

هیچ سازوکار خود ممیزی نمی‌تواند مستقل از آموزش و تبلیغات آگاه‌کننده عمل نماید. صنعت اینترنت می‌باید تلاشی مستمر به صورت آن لاین و غیر آن برای فراهم نمودن آگاهی کلی از سازوکارهای خود ممیزی مانند سیستم‌های فیلترکردن و خط‌های تلفن مستقیم داشته باشد.

خود ممیزی خوب است. اعمال و قوانین دولت بد است. فیلترها والدین را تقویت می‌نمایند. در غیر این صورت کودکان به وسیله زیاده‌روی در مطالب خطرناک قربانی می‌شوند. یک طرح ممیزی مناسب بین‌المللی، ممکن و در واقع لازم است. عمل دولت نیز در حمایت از این تلاش مانند مراقبت

شبکه ISPها ضروری است. در نهایت خطوط تلفن مستقیم برای گزارش محتوای بدون نام و زیر پا گذاشتن قانون در سیستم، لازم است. موضوعات بیشتری در این زمینه وجود دارد اما این انتخابها می باید نشان دهنده چیزی کاملاً وسوسه انگیز درباره این نوید باشد که خود ممیزی، تضمینی در مقابل سانسور است. نتایج احتمالی تلاشها به وسیله شرکت های بزرگ چندملیتی برای ساختن دنیا به صورت محیطی امن برای تجارت الکترونیک نباید در رابطه با میزانی که آزادی بیان و بازبودن راه جستجو صدمه می بیند، کم ارزیابی شود مشکلات استفاده از فیلتر در بالا بیان شده است که فیلترها ممکن است به طور مؤثر به دلیل وجود مشکلات متفاوت، عمل نمایند. برخی از این مشکلات در این بخش بررسی خواهد شد اما باید توجه شود که آنچه به عنوان مشکل به وسیله منتقدین فیلترها ممکن است در نظر گرفته شود ممکن است به عنوان یک فضیلت توسط طرفداران آن به حساب آید. به عنوان مثال «ائتلاف ملی بر علیه سانسور» توصیف غیرفنی زیر را در مورد محدودیت فیلترها ارائه نمود (ابزارهای سانسور در امروز ۱۹۹۸):

– ساده سازی بیش از حد – چگونه می توان مرز بین حد خوب و بد مطالب جنسی (یا خشونت) و غیره را مشخص نمود؟ فیلترها و برجسبها گمان می کنند که برنامه های تلویزیونی و پایگاه های اینترنتی می تواند به وسیله یک حرف یا نماد و یا ترکیبی از این دو مشخص شود.

– پهنای بیش از حد – ممیزی و فیلترها اغلب، بافت را از نظر دور داشته و بنابراین به ناچار مطالبی را که ممکن است کاربران بخواهند داشته باشند در کنار مطالبی که نمی خواهند، حذف می نمایند.

– عملی بودن – توصیف بهتر برنامه های تلویزیون و پایگاه های اینترنت چه؟ به نظر فکر خوبی است اما عملی نیست. هزاران برنامه های تلویزیونی وجود دارد که مطالب آن به طور روزانه تغییر می کند و هر برنامه جدیدی نیازمند، توصیفی جدید است.

– ذهنیت – هر برنامه ممیزی که محتوا را توصیف و یا دسته بندی نماید بستگی به قضاوت ذهنی ممیزکننده دارد.

– باز نمودن کامل – فیلترهای اینترنتی کمی وجود دارد که آشکار می سازند شما به وسیله آنها چه چیزی را از دست می دهید. سازندگان آنها ادعا می نمایند که اطلاعات مربوط به این موضوع انحصاری است و آشکار نمودن آنها نقشه مطالب غیرمجاز را فراهم می نماید.

- ایمنی - فیلترها و میزبانی احساس کاذبی از امنیت را به وسیله این پیشنهاد فراهم می‌نمایند که تنها کاری که والدین می‌باید انجام دهند آن است که جلو ورود ایده‌ها و تصاویر نامطلوب را سد نمایند.

مثال‌های خاص بسیاری را می‌توان برای به تصویر کشیدن این محدودیت‌ها ارائه داد. محققین در مناطق بریتانیا مانند اسکس و ساسکس^۱، سد شده‌اند به دلیل آنکه در تمام آنها کلمه «سکس» وجود دارد. دیگر پایگاه‌های شبکه که نباید سد شود به دلیل آنکه آموزش‌های لازم و مفید درباره موضوعات جنسی ارائه می‌دهد ممکن است سد شود چرا که دستیابی به بخش بزرگی از جمعیت که به آموزش این موضوع اعتراض دارند و این بازده را ترجیح می‌دهند، سودآور است. همبافت می‌تواند برخی اوقات به حساب آید اما سیستمی از کلمات کلیدی از لحاظ بنیادی محدود است چرا که فقط وجود کلمات و یا عبارات خاص به ندرت معنای واقعی آنها را نشان می‌دهد. پایگاه‌هایی که متعلق به سازمان‌هایی است که دیدگاه‌های آزاد بیان قدرتمندی را ارتقاء می‌دهند مانند «اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا» به وسیله سازمان‌های محافظه کار سد شده‌اند. حتی اعتراض به الگوهای حذفی که به وسیله شرکت‌های خاص فیلتر کردن اتخاذ شده ممکن است باعث شود منبع مهمی به فهرست غیرمجاز اضافه گردد. بنابراین هر پایگاهی در اینترنت که میزبان مباحثاتی باشد که با مسائل آزادی بیان سروکار دارد به احتمال بسیار زیاد محدود می‌شود چرا که لزوماً شامل کلماتی می‌شود که فیلتر به آنها حساس است. موضوع عملی بودن بادر نظر گرفتن رشد خارق‌العاده منحنی شبکه و این حقیقت که حتی پایگاه‌های شبکه موجود به طرق غیرقابل پیش‌بینی تغییر می‌کنند، دارای بیشترین اهمیت است. کارکنان شرکت‌های فیلتر کردن، دارای بیشترین اهمیت است. کارکنان شرکت‌های فیلتر کردن که می‌باید پایگاه‌ها را برای محتوا ارزیابی کنند ممکن است به مقدار قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر در رابطه با معیار قابل قبول تفاوت داشته باشند.

خود میزبانی رویکردی در مورد تنظیم محتوا با مدل‌های کنونی برای رده‌بندی فیلم‌ها و شوهای تلویزیونی است که به صورت فزاینده‌های مطلوبیت پیدا نموده است. دوباره تعداد محض بیانگر مشکلات مهمی برای چنین سیستم‌هایی است و کمتر از ۲۰۰۰۰۰۰ پایگاه اینترنتی از ۱۹۹۹ رده‌بندی شده‌اند. اما اعمال سیستم رده‌بندی تأثیری جدی بر محدودیت‌های هنری و انتظارات عامه دارد. یک مثال جالب اعلام (ضابطه انجمن مجلات مصور آمریکا ۱۹۷۱) است.

آن گونه که در مقدمه این ضوابط آمده است:

به نظر می رسد که این مهر تأیید فقط بر مجلات تصویری می خورد که به دقت قبل از انتشار به وسیله مسئولین ضوابط مربوطه بازبینی شده و دارای معیارهای بالای اخلاقی و نزاکت مور نیاز این ضوابط باشند. چه چیز این «معیارهای بالای اخلاقی و نزاکت» را تعیین می نماید؟ ممکن است مفید باشد که بخش های انتخابی زیر را در مورد این ضوابط مطالعه نماییم:

ضوابط کلی - بخش الف

۳- پلیس، قضات، متصدیان دولتی و سازمان های معتبر نباید به گونه ای معرفی شوند که ایجاد بی احترامی برای مسئولین مسلم نماید. اگر نشان داده شود که هر کدام از اینها عملی غیرقانونی انجام داده اند می باید به عنوان موردی استثنایی اعلام گردد که متهم جریمه قانونی را می پردازد.

۴- اگر جنایتی بر ملا گردد می باید به عنوان فعالیت نفرت انگیز و نامطلوب ارائه گردد.

۵- جنایتکاران نباید در موفقیت های دلفریب ارائه گردند مگر آنکه سرانجامی ناراحت کننده از منفعتی که آنان از راه خلاف کسب کرده اند نشان داده شود و هیچ تمایلی برای رقابت ایجاد ننماید.

۶- در هر موردی خوبی می باید غلبه کند و جنایتکار به خاطر اعمال خلاف خود تنبیه گردد.

۱۱- کلمه «جنایت» بر روی جلد مجله هرگز نباید بزرگتر از دیگر کلمات در عنوان باشد. کلمه «جنایت» هیچگاه به تنهایی بر روی جلد ظاهر نگردد.

۱۲- جلوگیری از استفاده از کلمه «جنایت» در عنوان های اصلی و فرعی می باید اعمال گردد.

ازدواج و سکس

۱- طلاق نباید به صورت طنز و یا مسئله ای مطلوب ارائه گردد.

۲- روابط جنسی نامشروع نباید به تصویر کشیده شود و نابهنجاری جنسی قابل قبول نیست.

۳- تمامی موقعیت های مربوط به واحد خانواده می باید به عنوان هدف نهایی حفاظت از کودکان و حیات خانواده را در نظر داشته باشد. به هیچ طریقی نباید شکستن ضوابط اخلاقی به عنوان موضوعی که قابل ارزش است ارائه گردد.

مکالمه

۱- کفرگویی، هرزگی، کلمات مستهجن و کلمات و نمادهای رکیک که دارای معنای نامطلوب هستند - با توجه به معیارهای امروزه - ممنوع است.

۲- احتیاط‌های خاصی برای جلوگیری از اشاره‌های توهین‌آمیز و خوارکننده به معلولیت‌ها و وابستگی‌ها می‌باید اتخاذ گردد.

۳- هر چند زبان خودمانی و عامیانه قابل قبول است، از استفاده بیش از حد از آن باید حذر شود و تا جایی که امکان داشته باشد از دستور زبان درست استفاده گردد.

استفاده از این محدودیت‌ها و دیگرانی از این نوع را در نوشتن کتاب‌ها و با تولید فیلم‌ها تصور نمایید. با همین‌گویی، فیتزجرالد، فالکز، میلرویات در چنین سیستمی چگونه برخورد می‌شود؟ موفقیت مجلات مصور در حال حاضر به دلیل توجه نکردن به این ضوابط و مهر تأیید آنهاست.

مجلات مصور که تن به این ضوابط داده اند به وسیله بی‌ضرر بودن قابل پیش‌بینی بودن و فقدان هیجان در آنها و تحویل فوری آنها به سطل آشغال مشخص می‌گردند. البته تصاویر کارتونی اغلب به وسیله کودکان خوانده می‌شود و این ضوابط احتمالاً برای حمایت از آنها ایجاد شده و توجه کمی به محدودیت‌ها در مورد خلاقیت هنری نویسندگان آنها شده است. اخیراً نوجوانان و بزرگسالان هدف بخش بزرگی از صنعت کتاب‌های تصویری بوده‌اند.

اعمال سیستم رده‌بندی بر اینترنت می‌تواند تأثیرات مشابهی در موضوعات دیگر داشته باشد. با در نظر گرفتن این موضوع که اینترنت صحنه‌ای نسبتاً ارزان قیمت برای میلیون‌ها انتشاراتی در سراسر دنیا فراهم می‌نماید. نظرات فراوان و نقدهای بسیاری به وسیله بسیاری از نویسندگان و گروه‌ها ارائه شده اما برای مقاله حاضر، از نظرات جاناتان و اینبرگ^۱ (۱۹۹۷) و لارنس لسیگ^۲ (۱۹۹۸) که هر دو وکیل دعاوی و پروفیسور در رشته قانون اساسی هستند استفاده خواهد شد. آنگونه که لسیگ بیان می‌دارد PICS رویکردی کلی برای ایجاد سیستم رتبه‌بندی است اما خاطر نشان می‌نماید که:

PICS با ارزش‌های کامپیوتر و هدف طراحی سیستم‌ها همساز است اما هر چند برمحسنت که از این دیدگاه باشد واضح است که اینها تنها هنجارهای موجود نیستند که معماری شبکه باید در مورد

1_ Jonathan W einberg

2_ Lawrence Lessig

آنها اعمال گردد و مهمترین نیز نیستند. سؤالی که می‌باید به جای آن پرسیم این است که آیا این طرح با ارزش‌های آزادی بیان همخوانی دارد یا نه و به نظر من همخوانی ندارد.

PICS یک بی‌طرف دو جانبه است - بی‌طرف هم درباره ارزش‌های مورد استفاده در فیلتر کردن و هم در مورد اینکه چه کسی آن را اعمال نماید. در حالیکه سانسور کاربر مطمئناً در راستای ارزش‌های آزادی بیان است سانسور از بالا توسط دولت مسلماً چنین نیست و یا به بیان دیگر، بین دو معمار آزادی بیان یکی که فقط کنترل کاربر را ممکن می‌سازد و دیگری که هم کنترل کاربر و هم کنترل از بالا را ممکن می‌سازد، استدلال من آن است که دولت هیچ قانونی در اعمال این کنترل مگر در موارد بسیار محدود ندارد.

واینبرگ روشن می‌سازد که PICS یک دستیابی فنی توانمند است که اجازه اعمال رتبه‌بندی به وسیله طرف‌های اختیاری را می‌دهد به گفته وی:

در نهایت اسناد PICS خاطر نشان می‌نماید که رتبه‌بندی لازم نیست به وسیله نویسندگان نرم‌افزار فیلتر کردن معین گردد...

اینها می‌تواند به وسیله خود خالقان محتوا یا به وسیله طرف سوم انجام شود. یکی از پیامدهای مشخصات PICS آن است که گروه‌های متفاوت - مثلاً ائتلاف مسیحیان و یا پیشاهنگان - می‌توانند به دنبال ایجاد خدمات رتبه‌بندی باشد که بازتاب ارزش‌های خود آنها باشد و این ممیزی‌ها می‌تواند به وسیله نرم‌افزارهای سدکننده آماده، اجرا گردد...

وی درباره عملی بودن سیستم رتبه‌بندی اجباری دولت بسیار نگران است چه در یک کشور و چه پیش از آن به صورت توافق بین‌المللی، وی بدین صورت استدلال می‌نماید که:

ممکن است که تنها روش حصول اطمینان از شرکت در سیستم خودممیزی حتی در یک کشور واحد (چه برسر به حالت بین‌المللی) این است که دولت فراهم‌کنندگان موضوعات را وادار نماید خودشان مطالب خود را رتبه‌بندی نمایند (و یا فراهم‌کنندگان دسترسی به کامپیوتر را وادار نماید از مشتریان خود بخواهند که چنین کنند) روشن نیست که چگونه چنین چیزی در عمل اجرا خواهد شد. پیش‌نویس‌های چنین قانونی با دو انتخاب روبرو هستند یا فراهم‌کنندگان موضوعات را وادار کنند پایگاه‌های خود را با توجه به سیستم خاص رتبه‌بندی، مشخص شده در قانون، امتیازبندی کنند و یا به

آنان اجازه دهد که در انتخاب یکی از انواع PICS - سیستم‌های ممیزی مطیع - آزادی عمل داشته باشند. هیچکدام از دو رویکرد به نظر مطلوب نمی‌رسد. اولی که استفاده اجباری از سیستم ممیزی است، توسعه فنی را بوسیله حذف فشارهای رقابتی که باعث ارائه و بهبود فنون جستجو، فیلتر و سازمان‌دهی می‌شود را از بین برده و به صورت ثابت درمی‌آورد و باعث می‌شود مشتریان حق انتخابی در مورد بهترین سیستمی که می‌تواند در خدمت نیازهای آنان باشد را نداشته باشند. دومی کمی بهتر است. برخی ارگان‌های دولتی می‌باید کار مجوزدهی سیستم‌های خودممیزی را به عهده بگیرند که مطالب نامناسب برای کودکان را مشخص نماید. البته سؤالی جدی باقی می‌ماند و آن اینکه آیا چنین سیستم اجباری دولتی در مورد رتبه‌بندی مبسوط که با فیلتر کردن PICS ترکیب می‌شود بر اساس قانون اساسی است یا خیر. در حقیقت در صحنه بین‌المللی، ایالات متحده، همیشه کشوری بوده است که در مقابل توافقات برای کنترل محتوای شبکه مقاومت نشان داده است و این به دلیل نگرانی‌های مربوط به اصل اول قانون اساسی است. تمامی اینها نشان می‌دهد که رتبه‌بندی اینترنت در سطح بین‌المللی کاری بسیار مشکل‌تر از رتبه‌بندی فیلم‌ها در یک کشور است و سیستم رتبه‌بندی بین‌المللی باید اتخاذ گردد تا بتواند در تمامی کشورها به دلیل طبیعت جهانی اینترنت اعمال گردد.

معرفی موارد قانونی و حقوقی

در تلاش برای شکست لایحه نزاکت ارتباطات (CDA) در ۱۹۹۶ چه خواسته و یا ناخواسته توسط بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های مخالف با آن با شیطان قرارداد بسته شد. اغلب سازمان‌های آزادی‌های مدنی و تعدادی از فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی (ISPها) با این قانون مخالفت کردند بر این اساس که اجراء آن به طور حتم باعث نقض حقوق اولیه قانونی می‌شود به دلیل آنکه مطالب «زنده» توصیف شده در لایحه دارای مفهوم مبهمی است.

به منظور استدلال در این مورد که اعمال دولت مرکزی در کنترل دسترسی، بسیار دست بالاست این سازمان‌ها و شرکت‌ها پیشنهاد ایجاد فناوری در برنامه‌های فیلترکردن و یا فیلترها به عنوان ابزاری برای توانمند ساختن اولیا و مسئولین محلی را نمودند که به آنها این توانایی فنی را بدهد تا دسترسی به مطالب غیرقابل قبول را محدود نمایند. این حمایت از فیلترها به نظر می‌رسد که در راستای این بن

مایه قوی در سیاست آمریکاست که راه‌حل‌های محلی به مسائل، بر کنترل مرکزی اعمال شده توسط واشنگتن ارجحیت دارد. ممکن است به یاد داشته باشید که یکی از سه ضرورت قانونی که به وسیله دیوان عالی برای تعیین این موضوع که یک کتاب و یا فیلم مستهجن است آن است که معیارهای جامعه محلی را نقض نماید. این تأکید بر محل در حال حاضر در بسیاری دیدگاه‌های مطرح شده در مورد تعادل بین قدرت‌های مرکزی و محلی، حاکمیت دارد، تصمیمات اخیر دیوان عالی شاهدهی بر این مدعاست. به وضوح مشکلاتی در زمینه فناوری اینترنت که مرزی نمی‌شناسد ایجاد خواهد شد. محلی در اینترنت چه معنایی دارد جائیکه آدرس یک صفحه در شبکه در URI (مکان یاب منبع همگانی) می‌تواند به کارساز (Server) واقع شده در هر جایی در دنیا برگردد. قضات پنسیلوانیا که در مورد لایحه نزاکت ارتباطات ۱۹۹۶ رای صادر کردند به این دلیل به این نتیجه رسیدند که هم مشخص نمودن معنای «مستهجن» به طور مؤثر بسیار مشکل بود و هم قرارداد کنترل در دست‌های والدین و مسئولین محلی راهی مؤثر برای کنار آمدن با این مورد جنجالی به نظر می‌رسید.

علاوه بر آن استفاده از فیلترها، ISPها (فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی) را از مسئولیت شاق بررسی مطالبی که انتقال می‌دهند و یا ذخیره می‌نمایند تا برای تعیین اینکه آیا معیار ضروری را نقض می‌نماید یا خیر رها می‌سازد. هنگامیکه دیوان عالی رای دادگاه پنسیلوانیا را در ژوئن ۱۹۹۷ تأیید نمود و بخش‌هایی از CDA را مخالف قانون اساسی تشخیص داد، جشن شادمانه‌ای در اینترنت و دیگر جاها به راه افتاد اما تکیه بر فیلترها به زودی صحنه جدید از کشمکش درباره آزادی بیان خواهد بود. در آغاز تمرکز بر مطالب جنسی و با این هدف بود که دسترسی به پایگاه‌های اینترنتی و گروه‌های خبری که دارای چنین مطالب بودند سد شوند. احتمالاً لازم است در این مرحله یادآور شویم که اگر والدین مایل باشند برنامه‌های فیلترکننده را در کامپیوتر شخصی خود به کار گیرند و یا از خدمات فیلترکردن که به وسیله مرورگران شبکه و یا ISPها ارائه می‌شوند استفاده نمایند کاملاً حق قانونی آنهاست. از دیدگاه من فقط پیشنهاد می‌نمایم که مشتریان آگاهی باشند و از محدودیت‌های محصولات مختلفی که در دسترس است مطلع باشند. حوزه جنگ البته وقتی است که در مکان‌های عمومی فیلترهایی نصب شوند که جلوی افراد برای استفاده از حق قانونی آنها که در قانون اساسی ایالات متحده و کانادا تعیین شده گرفته شود. نصب فیلتر بر روی کامپیوترهای مکان‌های عمومی چه

کتابخانه باشد یا مراکز عمومی دیگر و با مدارس و دانشگاه‌ها مسائل زیادی را برمی‌انگیزد که شامل آزادی بیان و دسترسی نیز می‌شود. فعلاً بحث من این است که فیلترها ابزارهایی کند در انجام وظیفه‌ای که از آنها خواسته شده هستند و ابعاد این کار به وسیله دستورکارهای سیاسی و مذهبی تعیین می‌گردد. از آنجا که گناه مشکلات جامعه به گردن اینترنت گذاشته شده است محدود نمودن دسترسی به آن راه حلی واضح به نظر می‌رسد. بنابراین برای طرفداران فیلترکردن، خشونت بیش از حد در میان نوجوانان که در موارد تیراندازی در مدارس نشان داده می‌شود نیازمند محدود نمودن دسترسی به مطالب خشونت‌بار شبکه است. همچنین به نظر آنها جلوگیری از دسترسی به پایگاه‌های هدایت‌شده به وسیله نژادپرستان سفیدپوست می‌تواند باعث کاهش اعمال برانگیخته شده به وسیله نفرت و نژادپرستی گردد و احتمالاً در نهایت دیگر مسائل اجتماعی می‌تواند بخشی از راه‌حل خود را با محدودیت بیشتر آنگونه که برخی مردم اعتقاد دارند، بیاید. فیلترها به صورت علاج انتخابی برای بسیاری مشکلات به حساب می‌آیند حتی با اینکه ابزارهایی ناقص به شمار می‌روند که در آن تمایل به استفاده بیش از حد وجود دارد و هدف دستور کارهای اجباری بسیاری از گروه‌های فشار به حساب می‌آید.

تأملات قانونی و حقوقی

تلاش‌های اخیر در مجبور نمودن هیئت‌های کتابخانه‌ها در اجرای فیلترهای اجباری در کامپیوترهایی که به اینترنت متصل هستند با مقاومت‌های چندی شروع شده است. مهمترین این موارد در مورد بخش لودان ویرجینیا است که به همراه جزئیات مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته دیگر موارد نیز نامبرده خواهد شد. به طور همزمان چندین تلاش در مجلس هم در این دوره و هم دوره قبلی برای گذراندن لایحه‌ای صورت گرفته است که نصب فیلترها را در مکان‌هایی که با کمک مالی دولت اداره می‌شود را اجباری نماید، رویدادهای وحشتناک اخیر در کلورادو، ایلی نویز، کالیفرنیا و تگزاس باعث برانگیختن تلاش‌هایی برای سد نمودن دسترسی به پایگاه‌های شبکه شده است که دارای اطلاعاتی است که به نظر می‌رسد بیش از حد خشونت‌آمیز، نژادپرستانه و از لحاظ جنسی بی‌پرده است.

بسیاری از سیاستمداران در هر دو طرف قضیه در مجلس از چنین تلاش‌هایی به دلایلی چند حمایت نموده‌اند که حاکی از این حقیقت است که نظرخواهی‌ها نشان داده که تعداد قابل ملاحظه‌ای از آمریکائی‌ها عقیده دارند، اینترنت مکانی خطرناک است. بحث قبلی را در این مورد به خاطر آورید. برخی از این لوایح در جریان نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تصمیمات حقوقی اخیر

خط فکری اکثریت لودان در مقابل هیئت امنای کتابخانه بخش لودان و همکاران هر دو گروه موافق و مخالف فیلتر کردن در مؤسسات عمومی، از نزدیک این مورد را دنبال نمودند. در اکتبر ۱۹۹۷ هیئت امنای که ۶ شعبه را نظارت می‌نمود این سیاست را اتخاذ نمود:

«سیاست در مورد آزار جنسی در اینترنت» که یک سیاستگذاری است که نیازمند نرم‌افزار سدکننده پایگاه‌هاست ... که در تمامی کامپیوترهای کتابخانه‌ها نصب گردد تا جلوی الف) مطالب هرزه‌نگاری با استفاده از کودکان و مطالب مستهجن (هرزه‌نگاری شدید) و ب) مطالبی که برای کودکان در حوزه و برجینیا تحت حاکمیت قضایی آن مضر به نظر می‌رسد را سد نماید. (هرزه‌نگاری خفیف) برای اجرای این سیاست، هیئت امنای نرم‌افزاری به نام «X stop» را که محصولی برای محدود نمودن دسترسی به پایگاه‌هایی بود که این سیاست را نقض می‌نمودند، انتخاب نمود. (خط فکری اکثریت لودان و همکاران ۱۹۹۸)

جالب است که بدانیم نرم‌افزار به منظور کنار آمدن با آزار جنسی تهیه شده بود یعنی از استفاده‌کنندگان از کتابخانه انتظار می‌رفت نگران دیدن مطالب بحث‌انگیز توسط دیگران در اینترنت باشند، مطالبی که احتمال وجود آزار جنسی در آنها وجود داشته باشد. نرم‌افزار در نوامبر نصب گردید و تقریباً و تقریباً بلافاصله اعتراضات شروع شد (هارمون ۱۹۹۸):

برنامه نرم‌افزار انتخابی به وسیله بخش برای شش شعبه کتابخانه‌های آن - X stop - مدعی است که اینترنت را پالایش می‌نماید. اما کاربران کتابخانه اعتراض می‌نمایند که X stop که به وسیله Log-On Data Corp از آن‌هایم کالیفرنیا تهیه شده است در بهترین حالت، بسیار ناقص است. کاربران کتابخانه اعتراض می‌نمایند که برای دسترسی آنها به اطلاعاتی در مورد آموزش جنسی، سرطان سینه

و حقوق همجنس بازان زن و مرد و چیزهای دیگر، مانع ایجاد شده است به دلیل آنکه این نرم‌افزار نمی‌تواند بین مطالب مستهجن و دیگر اطلاعات در مورد موضوعات جنسی، تمایز قائل شود. مشتریان کتابخانه‌ها بیان می‌دارند که آنان حتی از دسترسی به پایگاه Quaker در شبکه جهانی و Hom epage مربوط به دانشکده زیست‌شناسی دانشگاه Yale منع شده‌اند. آنان بیان می‌دارند که در عین حال تصاویر گرافیکی سکسی بعضی اوقات می‌توانند از سد نرم‌افزار رد شوند.

تعجبی ندارد که گروهی از شهروندان که شامل خط فکری غالب در لودان و اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (ACLU) از هیئت امنای شکایت کرده و ادعا نمودند که این سیاست بدون دلیل دسترسی آنها به مطالبی که از لحاظ قانونی حمایت شده است مانند Quaker Hom epage، پایگاه اینترنتی «رشد جمعیت صفر» و پایگاه انجمن آمریکایی دانشگاه زنان مریلند ... را سد نموده است.

آنان همچنین ادعا نمودند که معیار روشنی برای اتخاذ تصمیمات مربوط به سد نمودن مطالب وجود ندارد و متهمین سیاستی را حفظ نموده‌اند که برخلاف قانون اساسی دریافت دادخواهان از مطالب حمایت شده از نظر قانون اساسی را مانع می‌شود. (طرز فکر غالب لودان و همکاران ... ۱۹۹۸). در تصمیم خود برای برنگرداندن حکم به وسیله رد نمودن شکایت، قاضی بخش «لیونی ام، برینکما» استدلال زیر را نمود: تا میزانی که در این مورد صدق می‌کند، نتیجه می‌گیریم که این مسئله که مربوط به محدوده و اعمال اصول اولیه قانون در رابطه با آزادی عمل کتابخانه عمومی برای اعمال محدودیت بر اساس موضوعات است در مورد دسترسی به مطالبی در مجموعه که به وسیله قانون اساسی حمایت شده است، در کتابخانه عمومی مانند هر مجموعه دیگری که به وسیله دولت اداره می‌گردد در راستای قانون اساسی نمی‌تواند به گونه‌ای اداره شود که تجویز نماید چه چیز در زمینه سیاست، ملی‌گرایی، مذهب و یا دیگر عقاید، هماهنگ با اصول معمول است. همچنین در ۸۷۶ (بلکمان وجی به طور همزمان) (نقل از بارنت، US ۳۱۹ در ۶۴۲)

هر چند نگرانی موجه کتابخانه‌های عمومی برای رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده، قاضی متوجه شد که «مشتریان بزرگسال کتابخانه‌ها دارای ارزش‌های بنیادی مورد نیاز برای عمل به عنوان یک شهروند هستند و به کتابخانه آمده‌اند تا علایق منطقی شخصی خود را به جای دروس مدارس متوسطه دنبال نمایند. و اینگونه هیچ انگیزه درسی، تصمیم کتابخانه عمومی در محدود نمودن

دسترسی به مطالب اینترنت را براساس موضوعات آنها توجیه نمی‌نماید. قاضی نکات زیر را برای تقویت عقیده خود بیان می‌کند: بنابراین ما با اصول اولیه قانون اساسی روبرو هستیم که محدودیت‌ها بر اساس محتوای مطلب می‌باید به وسیله منافع اجباری دولت قابل توجیه باشد و به گونه‌ای تنظیم گردد که به این هدف دست یافته شود و بنابراین، این نتیجه‌گیری باید دنبال شود. «براین اساس اعلام می‌شود که هیئت امنای کتابخانه نمی‌تواند محدودیت‌هایی را بر اساس محتوای مطالب برای دسترسی به مطالب حفاظت شده در اینترنت اعمال نماید. مگر مطالبی که به دقت در قانون مشخص شده باشد و باید اینکار را به گونه‌ای انجام دهد که محدودیتی برای موارد قانونی ایجاد ننماید. «دلایل دیگری نیز برای اظهارنظر نهایی قاضی وجود دارد اما اظهارات وی بیانگر اهمیت قدرت آزادی‌های اولیه زندگی آمریکایی‌هاست. تصمیم نهایی در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۸ اعلام شد و با در نظر گرفتن نظرات اولیه قاضی، هیچ تعجبی نداشت که وی به نفع شاکیان رای صادر نمود. «متهم به طور دائم از اعمال سیاست خود بر اینترنت در مورد آزار جنسی منع می‌گردد.» نتیجه‌گیری در مورد این رای آموزنده است و به هیئت امنای دیگر کتابخانه‌ها نشان می‌دهد که باید در مورد اعمال محدودیت بر دسترسی اینترنت به دقت عمل نمایند: هرچند که متهم هیچ اجباری در فراهم نمودن دسترسی به اینترنت برای استفاده‌کنندگان ندارد اما انتخاب نموده که چنین کند و بنابراین، قوانین آزادی‌های اولیه، وی را موظف می‌نماید محدودیت‌ها را در چارچوب قانون اعمال نماید. متهم حق گسترده‌ای برای سانسور فعالیت بیانی و دریافت و در میان گذاشتن اطلاعات از طریق اینترنت اعمال نموده که (۱) لزومی در رابطه با منافع دولت ندارد که وی را وادار به این کار نماید. (۲) اینکار به دقت صورت نگرفته. (۳) دسترسی مراجعه‌کنندگان بزرگسال را به مطالب حمایت شده از لحاظ قانون محدود می‌نماید فقط به دلیل اینکه مطالب برای افراد زیر سن قانونی، مجاز نیست (۴) معیار نامناسبی برای محدود نمودن دسترسی ایجاد نموده و (۵) طرز عمل تضمینی نامناسبی برای حصول اطمینان از بررسی قضایی فوری دارد. چنین سیاستی ضمانت آزادی بنیادی در حقوق اولیه قانونی را نقض می‌کند و بنابراین برخلاف قانون اساسی است. (یادداشت عقیده، ۱۹۹۸)

حتی در درون جامعه کتابداران، بحث قابل ملاحظه‌ای درباره چگونگی ایجاد تعادل بین جستجوی آزاد در مقابل نگرانی والدین درباره بهروزی کودکان وجود دارد. این امکان وجود دارد که نرم‌افزار

فیلترکننده را تنها بر تعداد محدودی از کامپیوترها نصب نمود و بقیه آنها را بدون فیلتر گذاشت. در این حالت مراجعه‌کنندگان در صورت تمایل می‌توانند از کودکان خود بخواهند از کامپیوترهای دارای فیلتر استفاده نمایند. برخی کتابداران موافق چنین رویکردی نیستند و استدلال می‌نمایند که ایجاد هرچونه محدودیتی در دسترسی، مخالف معیارهای حرفه‌ای آنهاست. عده‌ای دیگر بیان می‌کنند که به این دلیل نامطلوب است که مراجعه‌کنندگانی که از کامپیوترهای بدون فیلتر استفاده می‌کنند ممکن است در حال دیدن تصاویری باشند که افراد دیگر را که در آن نزدیکی هستند ناراحت نماید. به خاطر داشته باشید که سیاست لودان ظاهراً به این دلیل صورت گرفت که با آزارجنسی مقابله شود. دیگر رویکردها شامل گذاشتن حفاظ در اطراف کامپیوترهای بدون فیلتر برای فراهم نمودن حریمی خصوصی برای مراجعه‌کنندگان و حفاظت دیگران در مقابل مطالب ناراحت‌کننده است. در نهایت در همه جا این طرح مراقبتی هشدار به مراجعه‌کنندگان در مورد سروصدای زیاد، خوردن و آشامیدن و یا در حال حاضر نگاه کردن به صحنه‌های برخوردارنده وجود دارد. این رویکردها در همه جا مورد قبول قرار نگرفته و به روشنی بیانگر احساساتی است که به وسیله فیلتر کردن و با اعمال هرگونه محدودیتی در مورد دسترسی بر اینترنت وجود دارد. برای یافتن دید گسترده‌ای درباره مسائل حقوقی که بر تصمیمات کتابخانه‌ها در مورد نصب و یا عدم نصب نرم‌افزارهای فیلترکردن مؤثر است «فیلترکردن اینترنت در کتابخانه‌ها» (۲۰۰۰) را ببینید.

کتلین آر در مقابل شهر لیورمور

در ۲۸ می ۱۹۹۸ شکایتی بر علیه شهر لورمور در کالیفرنیا به وسیله شاکی به نام کاتلین آر تنظیم گردید. خلاصه زیر در مورد این شکایت از خلاصه پرونده موجود تنظیمی به وسیله شهر لیورمور گرفته شده است: (کتلین آر در مقابل شهر لیورمور ۱۹۹۸)

شکایت تنظیم شده توسط کتلین آر (شاکی) تقاضای حمایت قانونی بر علیه شهر لیورمور دارد. «شهر»... که جلوی عاملین، خدمتگزاران و کارکنان این شهر برای صرف کردن درآمدهای این شهر در کسب، استفاده و یا حفظ هر سیستم کامپیوتری که به اینترنت و یا شبکه جهانی وصل است گرفته شود. چنین سیستم‌های کامپیوتری که به اشخاص اجازه دسترسی، نشان دادن و یا چارچوب مطالب

زننده را می‌دهد و یا به افراد زیر سن قانونی چنین اجازه‌ای می‌دهد مورد نظر این شکایت است. (شکایت ص ۵-۶) شاکی همچنین خواستار اعلام دادگاه به این مضمون است که شهر لیورمور از لحاظ قانونی مسئول تمامی صدماتی است که در آینده به فرزندان شاکی به دلیل دسترسی آنها به مطالب مضر برای کودکان از طریق کامپیوترهای کتابخانه‌های متصل به اینترنت و شبکه ایجاد شود (ص ۶).

این تقاضا براساس این دلیل است که شهر، درآمدهای عمومی را صرف ایجاد آزار عمومی و صدمات احتمالی با اجازه دادن به کودکان برای دسترسی نامحدود اینترنت می‌نماید. مندلز^۱ این مورد را با مورد بخش لودان مقایسه می‌نماید. ولی در حالیکه در این دو مورد شاهد مشابهت‌هایی است، تفاوت‌های فاحشی را نیز در آنها می‌یابد: (مندلز ط ۱۹۹۹)

در حالیکه مورد ایالات ویرجینیا بر موارد حقوق اولیه قانونی متمرکز است مورد ایالت کالیفرنیا سوالی فنی دور می‌زند که آیا کتابخانه‌ها به عنوان نوعی فراهم‌کننده خدمات اینترنتی در مقابل انواع خاصی از شکایت در این زمینه مصون هستند ...

مورد کالیفرنیا نیز توسط یک مراجعه‌کننده به کتابخانه صورت گرفت اما بعد از آن مشابهت آن با بخش لودان به اتمام می‌رسد. لتکین آر که نام فامیلی وی در اسناد دادگاه فاش نشده است از شهر لیورمور به این دلیل شکایت نموده که پسر ۱۲ ساله وی «برندسون پی» با استفاده از کامپیوتر کتابخانه در چند مورد در سال گذشته تصاویری سکسی را download نموده و سپس آن را در لوح فشرده ریخته و در خانه یکی از خویشاوندان کپی نموده است. شکایت مادر وی که در ماه می تنظیم شد خواستار تعلیق حمایت پرداخت‌کنندگان مالیات از کارهای کامپیوتری در کتابخانه شد مادامیکه کودکان به مطالبی که برای آنان مضر است تحت قانون کالیفرنیا دسترسی دارند. وکیل وی میشل دی میلن پیشنهاد نمود که استفاده از فیلترها راه‌خوبی در این مورد است. در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۹ قاضی جورج هرماندز شکایت را بدون هیچ اظهارنظری رد نمود. دو روز بعد کتلین آر از دادگاه فرجام‌خواهی ایالت کالیفرنیا، فرجام خواست. بنابراین از تصمیم کتابخانه‌های لیورمور در عدم نصب نرم‌افزار فیلترکننده بر روی کامپیوترهای آن حمایت گردید. هم مورد لودان و هم لیورمور مثال‌هایی از رویکرد در مورد دسترسی به مطالب زننده احتمالی توسط کودکان در مکان‌های عمومی را نشان

می‌دهد که حاکی از برداشت گسترده از آزادی‌های فردی است و علاوه بر آن اخلاقیات و کار حرفه‌ای مسئولین کتابخانه‌ها فائق شده هر چند که حملات نیز بی‌رحمانه بوده.

مواضع قانونی کنونی

حمایت از آزادی‌های فردی، دفاع اصلی برای آزادی بیان در ایالت متحده است و هر قانون پیشنهادی که برای محدود نمودن دسترسی به اینترنت مطرح می‌گردد می‌باید نشان دهد که دلایل کافی برای محدود نمودن این حقوق فردی وجود دارد. روال و سنتی در قوانین هرزگی، قوانین هرزه‌نگاری با استفاده از کودکان، تهدید و توهین‌نامه وجود دارد. بنابراین زبان بی‌چون و چرای حقوق و آزادی‌های اولیه در موارد بسیاری در رقابت با دیگر منافع اجتماعی به مصالحه گذاشته شده است. تحلیل بیشتری در مورد قانون اساسی در اینجا صورت نخواهد گرفت مگر اظهارنظر در مورد میزانی که کودکان دارای حقوق اولیه از لحاظ قانون اساسی هستند با در نظر گرفتن این موضوع که کودکان به وسیله اعمال نرم‌افزار فیلتر کردن در مدارس و کتابخانه بیشترین تأثیر را در این مورد خواهند پذیرفت. البته اولیاء دارای این آزادی هستند که آنگونه که مایلند در خانه‌های خود عمل نمایند. آنگونه که کارل کاپلان^۱ در سر مقاله خود در مورد مسائل حقوقی در روزنامه نیویورک‌تایمز (کاپلان ۱۹۹۸) مطرح می‌نماید؟

«آیا کودکان دارای حقوق قانونی اولیه هستند که موضوعات غیرمجاز را تهیه نمایند؟ جواب مشخص در این مورد در مقاله ارائه نمی‌شود.

یک کارشناس قانون اساسی اعتقاد دارد که کودکان دارای حقوق کاسته شده‌ای در مورد مطالب منافی عفت هستند. وی بیان می‌دارد که:

این سؤال خوبی است که آیا کودکان دارای حق نسبت به مطالب منافی عفت هستند و جواب کلی به نظر می‌رسد که منفی باشد. ویلیام دبلیو ون‌الستاین^۲ پروفیسور دانشکده حقوق دانشگاه دوک و نویسنده کتاب درسی برجسته‌ای در زمینه حقوق اولیه در مصاحبه تلفیقی گسترده‌ای اخیراً این موضوع را بیان نمود. وی سخنان منافی عفت را به عنوان تجسم و یا پرده‌داری جنسی تعریف نمود، یعنی

1_ Carl Kaplan

2_ William W. Van Alstyne

مطالبی که از لحاظ عقل و منطق معمولی، زننده است. برخلاف هرزگی چنین مطالبی ممکن است ارزش‌های جبران‌کننده اجتماعی باشند. ون استاین توضیح می‌دهد که کودکان دارای آزادی‌های اولیه مانند آزادی بیان در رابطه مستقیمی با میزان سن کودک کاهش می‌یابد هر چه کوچکتر باشد میزان مقررات در مورد آنچه مجاز به دیدن و یا دسترسی به آن است افزایش می‌یابد. (کاپلان ۱۹۹۸)

نقطه مقابل این موضع توسط کریس هانس^۱ که وکیلی عالی‌رتبه با ACLU است اتخاذ شده که فکر می‌کند: کودکان دارای آزادی‌های قوی در کسب مطالب ارزشمند مانند اطلاعات مربوط به ایدز و عریانی هستند هر چند که این موضوع ممکن است به نظر برخی افراد، زننده و از لحاظ جنسی بی‌پرده و صریح باشد. وی نیز استدلال عرفی بر علیه فیلترها را مجدداً تکرار می‌کند که «تمامی برنامه‌های فیلترکننده به طور ناخواسته مانع از مطالبی می‌شوند که زننده نیست و توسط قانون اساسی حمایت می‌شود. بنابراین اگر کودکان را مجبور نمایید از کامپیوترهای فیلتردار استفاده نمایند احتمال آن زیاد است که آنان را از دسترسی به اطلاعاتی محروم کرده‌اید که همه موافقند که آنها باید ببینند.» در مورد دیگر حقوق مدنی، دادگاهی به طور کلی از حقوق مسئولین مدرسه بدون داشتن مجوز بازرسی، حمایت می‌کنند. بنابراین مشکل است اگر نگوئیم غیرممکن که در مقابل نصب گسترده نرم افزار فیلترکننده مقاومت نشان داد. مخالفت با نصب چنین نرم‌افزاری اصولاً توسط گروه‌های طرفدار آزادی‌های مدنی و همچنین تولیدکنندگان کامپیوتر و نرم‌افزار، ISPها فراهم‌کنندگان اطلاعات حمایت می‌شود این گروه‌ها همچنین به دنبال جلوگیری از لایحه نزاکت در کامپیوتر (CDA) بودند که بخشی از لایحه ارتباطات دور ۱۹۹۶ است. در زمینه مخالفت با CDA این گروه‌ها و شرکت‌ها به صورت موفق‌آمیزی استدلال نمودند که اهداف مجلس می‌تواند توسط اتخاذ نرم‌افزار فیلترکننده، که فناوری در حال پیشرفت و تأثیرگذاری بیشتر است تأمین گردد.

بخش مهمی از CDA موارد قابل توجهی را مشخص می‌کند:

عنوان V- لایحه نزاکت در ارتباطات ۱۹۹۶، بخش ۵۰۲، هرزگی و استفاده آزاردهنده از تسهیلات ارتباطات دور

a- هر کسی

۱ - در ارتباطات درون ایالتی و یا خارجی

A- به طور دانسته با استفاده از ابزارهای ارتباطات دور

1- هر نوع اظهارنظر، تقاضا، پیشنهاد، تصویر و یا هر ارتباطی را که مستهجن، هرزه، شهوت‌انگیز، کثیف با هدف آزار رساندن، سوء استفاده، تهدید و یا ایذا شخص دیگری ایجاد نماید، خلق کند. تقاضا نماید و یا شروع نماید.

B- به طور دانسته با استفاده از ابزارهای ارتباطات دور

1- هر نوع اظهارنظر، تقاضا، پیشنهاد، تصویر و یا هر ارتباطی را که مستهجن، هرزه، شهوت‌انگیز، کثیف با هدف آزار رساندن، سوء استفاده، تهدید و یا ایذا شخص دیگری ایجاد نماید، خلق کند. تقاضا نماید و یا شروع نماید.

با دانستن این موضوع که دریافت‌کننده ارتباطات زیر ۱۸ سال است بدون در نظر آنکه آیا سازنده این ارتباط، آنرا شروع کرده یا خیر

C- ارتباط تلفنی را برقرار کند و یا ابزارهای ارتباطات دور استفاده نماید چه مکالمه و یا ارتباط روی دهد یا نه، بدون آشکار نمودن هویت خود و با این هدف که اذیت کند، سوء استفاده نماید، تهدید و یا ایذا نماید.

D- باعث شود که تلفن شخص دیگر مرتباً زنگ بزند با این هدف که به شخص آزاد برساند.

E- و یا تلفن‌های مجدد بزند و یا با استفاده از ابزارهای ارتباطات دور ارتباطی را آغاز کند که هدف آن فقط آزار شخص دیگر باشد.

۲- و به صورت دانسته اجازه دهد از تسهیلات ارتباطات دور تحت کنترل وی برای هر فعالیتی که قبلاً مشخص شد استفاده شود. تحت عنوان شماره ۱۸ ضوابط ایالات متحده جریمه خواهد شد و یا تا حدود دو سال زندانی خواهد شد و یا هر دو.

گروهی متشکل از سه قاضی در فیلادلفیا دفاعی قوی از آزادی بیان به نظر خود ارائه نمودند: (ACLU در مقابل رنو ۱۹۹۶)

- اینترنت ممکن است به عنوان مکالمه جهانی پایان‌ناپذیر در نظر گرفته شود. دولت ممکن نیست از طریق CDA در این مکالمه مداخله نماید. به عنوان مشارکتی‌ترین شکل بیان انبوه که تاکنون ایجاد شده اینترنت لایق بالاترین شکل محافظت در مقابل مداخله دولت است...

- هر نوع ایجاد قاعده بر اساس محتوا در اینترنت هر چقدر هم که هدف از ایجاد آن سودبخش باشد می تواند دهکده جهان را به آتش بکشد تا کباب خود را درست کند.

- ارتباطات اینترنتی در حالیکه منحصر به فرد است بیشتر شبکه ارتباط تلفنی است تا پخش رادیو تلویزیونی به دلیل آنکه مانند تلفن، کاربر اینترنت به طور خودخواسته و توافقی، اطلاعات خاصی را به صورت آن لاین بازیافت می کند.

- هماگونه که قدرت اینترنت در آشفتگی است قدرت آزادی ما نیز بستگی به آشفتگی و نابهنجاری بیان بی قید و بند پروتکل حقوق فردی دارد.

- بدون شک CDA به منافع بالابرنده بیان ذاتی را که در اینترنت جریان دارد آسیب می رساند. در نتیجه تنوع اینترنت کاهش خواهد یافت. هزینه های اقتصادی مربوط به پذیرش این لایحه از سخنگویان اینترنت که مطالب آنها در محدوده پیگرد احتمالی قرار می گیرد تأمین می شود.

قضات تحت تأثیر عملکرد فیلترهایی چون NetNanny، SurfWatch، Cybersitter و قرار گرفتند این برنامه ها به نظر می رسد که مؤثرتر شده و هر چه استفاده از آنها مؤثرتر می شود، بیشتر مورد توجه قرار می گیرد.

قانون پیشنهادی

CO PA (لایحه حمایت آن لاین از کودکان ۱۹۹۸)

این موضوع که دیوان عالی از تصمیم دادگاه عادی حمایت کرد و بخش های خاصی از CDA را ژوئن ۱۹۹۷ بر خلاف قانون اساسی اعلام نمود تلاش های کنگره برای پرداختن به موضوع حفاظت از کودکان نه تنها در مقابل مطالب بازجنسی بلکه خشونت بیش از حد و نفرت و نژادپرستی را پایان داد. بنابراین در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۸ رئیس جمهور کلینتون لایحه تخصیصات چندمنظوره^۱ ۱۹۹۸ را امضا نمود که شامل لایحه حمایت آن لاین کودکان و متعاقب آن دوبله CDA II و یا فرزند CDA بود. بادر نظرگرفتن آنکه بخش هایی از CDA برخلاف قانون اساسی شناخته شده بود، شخص ممکن است انتظار داشته باشد که این تلاش برای بودن در راستای قانون اساسی CO PA می باید بهتر

صورت می‌گرفت. اما مشکلات چندی در این راستا وجود داشت که از آن جمله است: (تحلیل قانون اساسی در اکسی بیل ۱۹۹۸)

۱- باری جدی را بر آزادی بیان حمایت شده توسط قانون اساسی تحمیل می‌نماید که شامل مطالبی مانند گزارش منتشر شده اخیر *Starr*، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی است که از طریق پایگاه‌های اینترنتی طرفدار مانند *CNN*، *Yahoo* و *M S-NBC* پخش گردید.

۲- به طور مؤثر منافع دولت در حمایت از کودکان را تأمین نمی‌نماید از آنجا که به گونه‌ای مؤثر کودکان را از دیدن مطالب نامناسب که از بیرون از ایالات متحده پخش می‌شود محافظت نمی‌نماید و همچنین مطالبی را که از طریق دیگر منابع شبکه، مانند اتاق‌های گپ و پست الکترونیک پخش می‌شود، پوشش نمی‌دهد.

۳- بیانگر حداقل وسایل محدودکننده در کنترل بیان نسبت بر طبق یافته‌های دیوان عالی، نرم‌افزار فیلترکننده و سدکننده به والدین این توانایی را می‌دهد که مطالب نامطلوب را بدون ایجاد مزاحمت برای آزادی بیان حذف نمایند. کنگره پرونده کافی در رد این یافته و یا حمایت از *H R ۳۷۸۳* ارائه نموده که حداقل وسایل محدودکننده در حمایت از کودکان است.

در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۸، *ACLU* و همکاران، دستورموقت جلوگیری از این لایحه را صادر نمود. در میان چیزهای دیگر این یادداشت یادآور می‌شد که قبل از آنکه *COPA* عمل شود، وزارت دادگستری نامه‌ای هفت برگه به مجلس نوشته و نگرانی‌های جدی خود را درباره این لایحه مشخص نموده و اخطار داده و احتمالاً این لایحه در زمینه قانون اساسی مورد چالش قرار خواهد گرفت. (اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا و همکاران در مقابل ژانت رینو ۱۹۹۸) بادر نظر گرفتن اینکه این دومین تلاش *COPA* در کنترل دسترسی است تعجب برانگیز است که مشکلات مربوط به قانون اساسی در آن همچنان باقی است. به عنوان مثال در اظهار نظر برای لزوم تعیین مؤثر سن، یادداشت بیان می‌دارد که: حتی اگر تعیین سن و یا تأیید کارت اعتباری عملی بود، چنین ضرورتی، به صورتی بنیادی ماهیت ارزش‌های کامپیوتری جدید را تغییر می‌دهد که مشخصه آن ارتباط خودجوش، فوری و البته اغلب غیرقابل پیش‌بینی صدها هزار نفر در اطراف دنیا است و ابزاری در استطاعت و اغلب بی‌خط برای دسترسی به حجم عظیم از اطلاعات متنوع، ایده‌ها و عقاید گوناگون را فراهم می‌نماید.

بنابراین، COPA برای صدها هزار خواننده در دسترسی به بیان حمایت شده مشکل ایجاد می‌کند و یا آن را به تأخیر می‌اندازد. حتی اگر این امکان وجود داشت که سیستمی برای تأیید سن نصب می‌گردید. هر ضرورت تعیین سن لاجرم مانع ورود خوانندگانی می‌شود که فاقد تعیین هویت لازم برای دسترسی به مطالبی می‌شود که در غیر این صورت در دسترس آنها بود.

بسیاری از بزرگسالان دارای کارت اعتباری نیستند و هر نوع تأیید سن تأثیری تعیین‌کننده بر کاربران خارجی می‌گذارد احتمال کمتری از بزرگسالان در ایالات متحده دارد که دارای کارت اعتباری و یا دیگر کارت‌های شناسایی باشند. در اول فوریه ۱۹۹۹ قاضی لوول آر. رید پسر، از دادگاه بخشی در فیلادلفیا به نفع خواهان، حکم اولیه‌ای در سدنمودن اجرای COPA صادر نمود. نتیجه نظر قاضی رید در بیان این تناقض برای کسانی روشن‌کننده است که عقیده دارند کودکان باید از لحاظ قانونی بر علیه مطالب خاصی در اینترنت حمایت شوند در عین حالی که بزرگسالان از حق آزادی بیان خود محروم نگردند. تلاش‌های متمرکزتری در دو سال اخیر صورت گرفته در حالیکه هنوز هیچکدام به صورت عملی درنیامده است.

لایحه‌های کنونی فیلتر کردن

چند لایحه خاص در این مورد ارائه شده که مدارس، کتابخانه‌ها و دیگر گروه‌هایی را که از حمایت مالی دولت برای نصب کامپیوترهای خود به اینترنت استفاده می‌نمایند را موظف می‌نماید. نرم‌افزار فیلترکردن را بر روی این کامپیوترها نصب نمایند اما تاکنون هیچکدام به تصویب نرسیده است. از آنجا که بچه‌ها تنها استفاده‌کنندگان این کامپیوترها خصوصاً در مدارس هستند انتظار می‌رود که نگرانی‌های مربوط به قانون اساسی در این مورد تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد. مثال‌هایی از این تلاش‌ها به طور خلاصه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۹ سناتور جان مک کین^۱ S97 را ارائه نمود که لایحه‌ای برای حمایت از کودکان در اینترنت است و به وسیله کمیته تجاری در ۲۳ ژوئن مورد تأیید قرار گرفت. عناصر کلیدی آن در زیر می‌آید: (خلاصه لایحه فیلتر کردن در صد و ششمین مجلس ۱۹۹۹)

کامپیوترهای مدارس ابتدایی و متوسطه با دسترسی به اینترنت نمی‌توانند خدمات با تخفیف دریافت نمایند... مگر آنکه....(I) فناوری برای کامپیوترهای خود با اتصال اینترنتی انتخاب کرده‌باشند که دسترسی به اینترنت از طریق این کامپیوترها را به موارد زیر فیلتر و یا سد نماید:

(II) مطالب زننده (III) هزینه‌نگاری با استفاده از کودکان و (IV) و سیاستی را اعمال می‌نمایند که از عملکرد این فناوری در طول استفاده افراد زیر سن قانونی، اطمینان حاصل نمایند.»

مجلس نیز لایحه مشابهی را گذرانده اما تاکنون کاری به طور عملی صورت پذیرفته است. لایحه مکین فقط در مدارس قابل اعمال است که از تخفیف برای اتصال به اینترنت استفاده می‌نمایند. در مجلس لایحه حمایت از کودکان در ۲۰ جولای ۱۹۹۹ ارائه شد. این لایحه به تمامی مدارس و کتابخانه‌هایی که از کمک‌های مالی دولت برای کار کامپیوترها استفاده می‌نمایند تعمیم یافته است و از آنان خواسته می‌شود که:

۱- از نرم‌افزاری برای نصب بر روی کامپیوترهایی که قرار است توسط بچه‌ها استفاده شود کمک گرفته شود تا از دسترسی آنها به اطلاعات زننده و یا هزینه‌نگاری با سوء استفاده از کودکان از آن طریق جلوگیری شود و

۲- اطمینان حاصل شود که این نرم‌افزار هنگامیکه کامپیوتر توسط افراد زیر سن قانونی استفاده می‌شود، عمل نماید.

مقررات مربوط به خشونت

سال ۱۹۹۹ برای زنجیره‌ای از اعمال که شامل خشونت مرگبار بر علیه قربانیان بی‌گناه در مدرسه (لیتلتون، کلرادو) در کلیسا (فورت ورت) در مهدکودک (لوس آنجلس) و خیابان‌ها (ایلی نویز) بود قابل توجه به نظر می‌رسد. قربانیان این اعمال و عاملین آنها بچه‌ها بودند بنابراین تعجبی نداشت که خشونت و نفرت به زودی به صورت اهداف اولیه کسانی قرار گرفت که مایل بودند اینترنت تحت کنترل درآید. در حقیقت، مدت کوتاهی پس از وقایع لیتلتون کلرادو، گور معاون رئیس جمهور در پاسخ به تلاش‌های گزارش شده توسط شرکت‌های فیلتر کننده برای بهبود تأثیر نرم‌افزار خود در

محدود نمودن دسترسی به پایگاه‌های نفرت از این تلاش‌ها قدردانی نمود به دلیل آنکه برای زندگی قربانیان ارزش قائل شده‌اند (گور حدود اینترنت را بیان می‌کند... ۱۹۹۹)

وی همچنین در مصاحبه‌ای بیان نمود که «تا آنجا که به اینترنت مربوط می‌شود، این موضوع ابزارهای بیشتری را در اختیار والدین می‌گذارد که از آخرین فناوری‌های فیلترکننده و سدکننده برای محدود نمودن دسترسی به پایگاه‌هایی که توسط گروه‌های نفرت اداره می‌شود و دارای بازی‌های خشونت‌بار و دیگر مطالب است استفاده نمایند و البته این ابزارها به طور حتم در مدارس و کتابخانه‌ها کار گذاشته خواهد شد و دسترسی باز در معرض مصالحه قرار می‌گیرد. در طول یک ماه هنری هاید^۱ نماینده ایلی نویز لایحه حمایت از کودکان در مقابل فرهنگ خشونت را به عنوان تکمیل لایحه داد بخشی نونهالان ارائه نمود. هرچند که در این لایحه به وضوح از اینترنت نام برده نشده است اما به طور حتم در مورد اینترنت نیز صدق می‌کند چرا که «فروش هر نوع مطلب تصویری که شامل مطالب باز جنسی و یا خشونت‌بار باشد را به افراد زیر سن قانونی ممنوع می‌نماید. (ماکاوینتا^۱ ۱۹۹۹)

اگر این لایحه به تصویب برسد، محدودیت‌های دسترسی به مطالب اینترنتی را ورای مطالب باز جنسی به موضوعات خشونت‌بار و نفرت نیز گسترش می‌دهد. موارد زیر از لایحه پیشنهادی گرفته شده است: به طور کلی این لایحه فروش هر نوع عکس طراحی، مجسمه، بازی، فیلم و یا تصاویر و یا تجسم‌های بصری مشابه، کتاب، جزوه، مجله، مطالب مکتوب و یا صوتی ضبط شده‌ای که یک شخص عادی آن را در رابطه با آنچه که مناسب افراد زیر سن قانونی است، زننده و برخوردار می‌شناسد به افراد زیر ۱۷ سال ممنوع می‌نماید. مگر اینکه دارای ارزش ادبی، هنری، سیاسی و یا عملی باشد. به رغم این حقیقت که شواهد کمی وجود دارد که اینترنت عاملی مؤثر در اعمال خشونت‌بار ذکر شده در بالا باشد به صورت علت انتخابی درآمده است. مطمئناً والدین باید درباره مسائل بسیاری در بزرگ کردن فرزندان خود نگران باشند با اینکه اینترنت یکی از این موارد است اما مهمترین نیست. برای مطالب بیشتر در این مورد گزارش اخیر ارائه شده توسط کمیته قضایی سنا بسیار راهگشا است. (بچه‌ها، خشونت و رسانه ۱۹۹۹)

1_ Henry Hyde
1_ M acavinta

در این گزارش استدلال شده است که ارتباط مستقیمی بین خشونت در رسانه‌ها که شامل اینترنت نیز می‌شود و خشونت در زندگی واقعی وجود دارد و پیشنهاد می‌نماید که اتخاذ تدابیری توسط دولت به منظور حصول اطمینان از تأثیر برنامه‌های فیلتر کردن به صورت فزاینده‌های مورد نیاز است تا این موضوع به صورت اجباری درآید.

خلاصه و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد دلایل بسیاری برای این موضوع وجود دارد که عامه مردم درباره اینترنت نگران باشند. برنامه‌های رسانه‌ها پر از مسائل جنسی، برهنگی، هرزه‌نگاری با سوء استفاده از کودکان سوء استفاده‌های جنسی از کودکان، خشونت، تعلیمات ساخت بمب و غیره است و از آن راحت‌تر، از طریق اینترنت در اختیار آنان قرار می‌گیرد. اما آنگونه که (تارو ۱۹۹۹) به وضوح بیان می‌دارد، گزارش‌های رسانه‌ها در مورد اینترنت به دقت متمرکز شده است. بنابراین مقالاتی که چنین مواردی را گزارش می‌دهند و نگرانی‌های خاصی را در والدین ایجاد می‌نمایند به ندرت دورنمای آن را مشخص می‌نمایند. یعنی این تأثیر را ایجاد می‌نمایند که اینترنت مملو از مطالب احتمالاً مضر است و وقایعی که اتفاق می‌افتد و نمونه‌های آن قبلاً ذکر شد یک قاعده است و نه یک‌سری استثناء.

بازتاب و پیامدهای چنین تأثیری توسط اعمال خشونت‌بار جدی که مرتب در ایالات متحده اتفاق می‌افتد، پیچیده‌تر می‌گردد. این وقایع نیز در ظاهر به وجود خشونت و مطالب تنفرانگیز موجود در اینترنت و ناگفته نماند دسترسی آسان به سلاح گرم در هر اندازه‌ای بستگی دارد.

رشته دیگر در داستانی که در این مقاله به تصویر کشیده شد، انگیزه روشن شرکت‌های بزرگ اینترنتی بین‌المللی در ساختن اینترنت به صورت محیط امن برای انجام تجارت است. تجارت الکترونیک به عنوان موتور رشد اقتصاد دنیای پیشرفته خوانده می‌شود. البته موقعیت لازم برای رشد تجارت الکترونیک، ایجاد دنیای اینترنت به صورتی است که مساوی موقعیت کنونی خرید به صورت شخصی باشد. این تلاش بسیار گسترده و در جریان است و مطمئناً نیرویی پیش‌برنده در پشت تلاش‌های اجباری نمودن نظارت و مقررات بر اینترنت چه به وسیله نرم‌افزارهای فیلترکننده توسط والدین در خانه‌ها و یا اجباری نمودن آن در مدارس و کتابخانه‌ها توسط دولت است. این تلاش در حال حاضر

در جریان است و به صورت فزاینده‌های در حال رشد است در حالیکه شرکت‌های بزرگ سیستم‌های رتبه‌بندی هر چه پیشرفته‌تری را در این زمینه پیشنهاد می‌نمایند. شاهد این موضوع، تلاش‌های اخیر بنیاد برتلزمان (خود ممیزی مطالب اینترنت ۱۹۹۹) در جلب حمایت سیستم ممیزی بین‌المللی برای خود ممیزی اینترنت است. در نهایت داستان ما بدون بیان نقشی که گروه‌های هدفدار آزادی‌های مدنی و حمایت از مصرف‌کننده در استدلال بر علیه خلاف قانون اساسی بودن لایحه نزاکت در ارتباطات ۱۹۹۶ ایفا نمودند، تکمیل نخواهد بود. قضات در دادگاه‌های مختلف برانگیخته شدند تا فرصت را مغتنم شمرده و از والدین بخواهند از نرم‌افزارهای فیلترکردن برای کنترل آنچه که احساس می‌کنند برای کودکان آنها مضر است استفاده نمایند به جای آنکه آزادی‌های فردی توسط اعمال دولت در خطر تعرض قرار بگیرد. این بخش کم و بیش فاقد بحث آفرینی است هر چند که والدین ممکن است به این وسیله به غلط باور نمایند که نرم‌افزار فیلترکننده دقیق‌تر از آن چیزی است که در واقع هست. بدترین حالت آن است که برخی پایگاه‌های مفید ممکن است در کامپیوتر خانه سد شود و بنابراین برخی اطلاعات مفید از این طریق در دسترس نباشد. این استفاده عمومی از چنین نرم‌افزارهایی است که ایجاد نگرانی نموده و در چندین لایحه مطرح شده در کنگره نمود پیدا کرده است. علاوه بر آن مبارزه برای آزادی بیان می‌باید در تمامی کتابخانه‌های عمومی و مدارس صورت پذیرد. ابتکار جهانی برای قاعده‌مند کردن اینترنت به صورت داوطلبانه در حال شکوفایی است، همانگونه که قبلاً گفته شد، سیستم‌های خودممیزی دارای خطرات مربوط به خود هستند مخصوصاً اینکه محصولی زدوده و سترون ایجاد می‌نمایند که رابطه‌ای با دنیای واقعی که می‌شناسیم ندارد. احتمالاً هر کشوری فقط مقیاس‌های خاصی را برای رتبه‌بندی پایگاه‌ها انتخاب خواهد نمود و در برقراری میزان‌های مربوط نیز تفاوت وجود خواهد داشت. بار بر روی پایگاه‌های اینترنتی بسیار زیاد خواهد بود و برخی از آنها را مستقیماً به بخش غیرقانونی فضای کامپیوتری خواهد کرد. البته کودکان مبتکر ترغیب خواهند شد که همان بخش از اینترنت را که برای آنها مجاز نیست، بررسی نمایند و ممکن است که در تلاش خود نیز موفق شوند. اما وضعیت ممکن است حتی بدتر از این باشد چرا که پایگاه‌های بحث برانگیز شبکه ممکن است پایگاه‌های بازتابی را ایجاد نماید که URL آنها به وسیله پست الکترونیک در میان علاقمندان که شامل کودکان نیز می‌شود آنگونه که توسط پاکین^۱

(۱۹۹۹) توصیف شده است، بخش گردد. تمایل به قاعده‌مند نمودن، کنترل و محدود نمودن و یا سد نمودن دسترسی به اطلاعات همیشه وجود داشته است. این مشاهدات را که از (بیانیه PFIR در مورد کنترل محتوا و رتبه بندی ۲۰۰۰) درباره اینترنت برای برخورد خاص گرفته شده است در نظر بگیرید: این موضوع به خصوص هشداردهنده است که مشاهده گردد تا چه طرفداران فیلتر کردن اجباری اصرار می‌ورزند محتوای اینترنتی را که در موقعیت‌های دیگر کنترل نمی‌شود در این مورد خاص کنترل نمایند. مثالی که به فراوانی نقل قول می‌شود در مورد اطلاعات مربوط به مواد منفجره است. مسلماً چنین اطلاعاتی در اینترنت وجود دارد که می‌تواند برای صدمه زدن هم به اشخاص و هم دارای‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اما اغلب همین نوع اطلاعات در کتاب‌فروشی‌ها کتابخانه‌ها و یا حتی با سفارش از طریق پست در دسترس قرار می‌گیرد. چگونه می‌توانیم مرز غیرمجاز بودن را تعیین نماییم؟ ادبیات تندرو؟ مطالب آموزش صنعتی؟ کتاب‌های شیمی؟ آیا واقعاً آن قدر نگرانیم که شدیداً برداشت خود را از آزادی بیان در موارد دیگر و نه تنها در مورد اینترنت تعدیل نماییم.

دلایل محدود نمودن دسترسی ممکن است در طول زمان و مکان از موضوع حمایت از کودکان تا جامعه به طور کلی تغییر نماید. اینترنت که موضوعی نسبتاً جدید است صحنه جنگ کنونی درباره این کشمکش دراز مدت شده است. این موضوع برای کسانی که به آزادی بیان و بحث و جستجوی آزاد ارج می‌نهند باقی می‌ماند که به این مبارزه بپیوندند و از آزادی‌ها برای حال و نسل‌های آینده دفاع نمایند. آنگونه که قاضی «رید» در تصمیم خود اعلام نمود: (رید ۱۹۹۹)

به رغم تأسف دادگاه که این تأیید اولیه بار دیگر حمایت دقیق از کودکان را به تأخیر می‌اندازد، بدون تردید وظیفه محوله به دادگاه و نفع نهایی چنین وظیفه‌ای مورد تأیید است. در واقع ما ممکن است به فرزندان این مملکت صدمه بزنیم اگر حمایت‌های آزادی‌های اولیه را که در نهایت با بزرگ شدن به طور کامل به آن دست خواهند یافت به نام حمایت از آنان از بین ببریم.

تقدیر نامه

حمایت شورای تحقیقات مهندسی و علوم طبیعی قابل تقدیر بسیار است. همچنین از دیوید جونز و جف شلیت از «مرزهای الکترونیک کانادا» و دانشجویان بسیاری که دیدگاه‌های مرا به چالش

کشیدند و افراد ناشناسی که انتقادهای سازنده‌ای نمودند تشکر می‌کنم. در نهایت قدردانی خود را از همسرم شریل آدام که در دانشگاه بریتیش کلمبیا مسئول کتابخانه است و تمامی کتابدارانی که حامل جستجوی باز و آزاد هستند اعلام می‌نمایم.

منابع

- ACLU v. Reno (1996) Full Text of Opinion, June 12. Accessed from the Web site with URL: <http://www.epic.org> on June 13, 1996.
- American Civil Liberties Union, et. al. v. Janet Reno (1998) Plaintiffs' Memorandum of Law on Support of Their Motion for a Temporary Restraining Order and Preliminary Injunction, September 22. Accessed from the Web page with URL: http://www.aclu.org/court/acluvrenoII_tro.html on November 20, 1998.
- American Civil Liberties Union, et. al. v. Janet Reno (1999) Judge Reed's Opinion in the United States District Court for the Eastern District of Pennsylvania, February 1. Accessed from the Web page with URL: <http://www.paed.uscourts.gov/opinions/99D0078P.HTM> on August 23, 1999.
- American Library Association (1997) Statement on Library Use of Filtering Software. Accessed from the Web site with URL: http://www.ala.org/alaorg/oif/filt_stm.html on June 15, 1998.
- Censorship's Tools Du Jour: V-Chips, TV Ratings, PICS, and Internet Filters (1998) The National Coalition Against Censorship, March. Accessed from the Web page with URL: <http://www.ncac.org/toolsdujour.html> on June 15, 1998.
- Children, Violence, and the Media (1999) Senate Committee on the Judiciary, September 14. Accessed from the Web page with URL: <http://www.senate.gov/~judiciary/mediavio.html> on September 23, 1999

- Code of the Comic Magazine Association of America (1971) Accessed from the Web site with URL: <http://www.mit.edu/activities/safe/labeling/comics-code-1971> on September 6, 1999.
- Constitutional Analysis of the Oxley Bill (1998) Center for Democracy and Technology. Accessed from the Web Page with URL: <http://www.cdt.org/speech/constitutional.html> on October 9, 1998.
- Gore Says Internet Limits Honor the Lives" of School Victims (1999) Associated Press, May 5. Accessed from the Web page with URL: <http://www.nytimes.com/library/tech/99/05/biztech/articles/05gore.html> on May 11.
- Hamon, A. (1998) Virginia Library Law suit Seen as Litmus Test for Internet Freedom, New York Times, March 2. Accessed from the Web page with URL: <http://www.nytimes.com/library/tech/98/03/biztech/articles/02library.html> on July 30, 1998.
- Hochheiser, H. (1998) Filtering FAQ, Computer Professionals for Social Responsibility, Version 1.1.1. Accessed from the Web site with URL: <http://www.cpsr.org/filters/faq.html> on September 6, 1999.
- Internet Filtering of Libraries (2000) A memorandum from Jenner & Block to the American Library Association. Accessed from the Web Site with URL: <http://www.frf.org/internetfilteringmemo.html> on May 20, 2000.
- June 1999 Web Statistics (1999) Online Computer Library Center, September 9. Accessed from the Web page with URL: <http://www.oclc.org/oclc/press/19990908a.htm> on September 20, 1999.

- Kaplan, C. S. (1998) Children's First Amendment Rights Lost in the Filtering Debate, New York Times, March 6. Accessed from the Web page with URL :
<http://www.nytimes.com/library/tech/98/03/cyber/cyberlaw/06law.html> on July 30, 1998.
- Kathleen R. v. City of Livermore, et al. (1998) In the Superior Court of the State of California in and for the County of Alameda, October 21. Accessed from the Web page with URL :
<http://www.techlawjournal.com/courts/kathleenr/80710livbr.htm>
on December 4, 1998.
- Kids Online (1999) NFO Interactive. Accessed from the e-marketer Web page with URL :http://www.emarketer.com/estats/061499_kids.html on June 15, 1999.
- Lawrence, S. and Giles, C. L. (1999) Accessibility of Information on the Web, Nature, 400, July 8, 107-109. Accessed from the Web site with URL :
<http://www.nature.com> on July 31, 1999.
- Lazarus, D. (1999) Firm Says Kids Visit Questionable Web Sites at School, San Francisco Chronicle, September 6. Accessed from the Web page with URL :
<http://www.websense.com/news/sf090699.htm> on September 10, 1999. A
- PowerPoint presentation of these findings is available at
<http://www.websense.com/news/ppt/ystudy.ppt>.
- Lessig, L. (1998) What Things Regulate Speech: CDA 2.0 vs. Filtering, Draft 3.01, May 12. Accessed from the Web page with URL :
http://cyber.harvard.edu/works/lessig/what_things.pdf on February 1, 1999.
- Macavinta, C. (1999) Bill L in its Children's Exposure to Violence, CNet News, June 11. Accessed from the Web page with URL :

<http://www.news.com/News/Item/043772700.html?stne.fd.gif> on June 11, 1999.

- Mainstream Loudoun, et al. v. Board of Trustees of the Loudoun County Library, et al. (1998) United States District Court for the Eastern District of Virginia, April 7.

Accessed from the Web page with URL:

<http://www.venable.com/ORACLE/opinion.htm> on October 2, 1998.

- Memorandum Opinion (1998) Re: Mainstream Loudoun v. Loudoun County Library. U.S. District Court, Eastern District of Virginia, Case No. 97-2049-A. Date: November

23, 1998. Accessed from the Web page with URL:

<http://www.techlawjournal.com/courts/loudon/81123op.htm> on November 24,

1998.

- Mendels, P. (1999a) Survey Indicates Increased Use of Filters, New York Times, May 12. Accessed from the Web page with URL:

<http://www.nytimes.com/library/tech/99/05/cyber/education/12education.html>

on May 11, 1999.

- Mendels, P. (1999b) Court Tackles New Angle on Library Internet Filtering, New York Times, December 4. Accessed from the Web page with URL:

<http://www.nytimes.com/library/tech/98/12/cyber/cyberlaw/04law.html>

on December 4, 1998.

- Paquin, R. (1999) Why filters will be less "technically" effective as time goes on. Posted on the American Library Association Office of Intellectual Freedom (ALAO IF)

Listserv on October 1, 1999.

- Pending Bills Would Impact Online Speech. (2000) Epic Alert, 7.08, Accessed from the

Web Site with URL: http://www.epic.org/alert/EPIC_AAlert_7.08.html

- PFIR Statement on Control and Ratings (2000) People for Internet Responsibility Accessed from the Web site with URL :
<http://www.pfir.org/statements/2000-03-18>
- Reed Jr., L. A . (1999) In the United States District Court for the Eastern District of Pennsylvania, Civil Action, American Civil Liberties Union et al. v. Janet Reno, No. 98-5591, February 1. Accessed from the Web site with URL :
<http://www.paed.uscourts.gov/opinions/99D0078P HTML> on August 23, 1999.
- Resnick, P. (1997) Filtering Information on the Internet, Scientific American, March. Accessed from The Web site with URL :
<http://www.sciam.com/0397issue/0397resnick.html>
on March 6, 1998. See also Hochheiser, H . (1998).
- Rosenberg, R .. S. (1999) Filtering the Internet in the USA : Free Speech Denied? The Fourth ETHICOMP International Conference on the Social and Ethical Impacts of Information and Communication Technologies, October 6-8, Rome, Italy.
- Self-regulation of Internet Content (1999) Bertelsmann Foundation. Accessed from the Web page with URL :
http://www.stiftung.bertelsmann.de/internetcontent/english/download/M_en_orandum.pdf on September 10, 1999.
- Summary of Filtering Bills in the 106th Congress (1999) Tech Law Journal, August 15. Accessed from the Web page with URL :
<http://www.techlawjournal.com/cong106/filter/default.htm> on September 20, 1999.

- Turow ,J. (1999) The Internet and the Family: The View from Parents, The View from the Press, The Annenberg Public Policy Center of the University of Pennsylvania.. Accessed from the Web page with URL :
<http://www.appcpenn.org/appc/reports/rep27.pdf> on May 6, 1999.
- Turow ,J. and Nir, L. (2000) The Internet and the Family 2000: The View from Parents, The View from Kids, The Annenberg Public Policy Center of the University of Pennsylvania. Accessed from the Web page with URL :
http://appcpenn.org/finalreport_fam.pdf on May 20, 2000.
- Weinberg, J. (1997) Rating the Net, 19 Hastings Comm /EntL J. 453. Accessed from the Web page with URL : <http://www.msen.com/~weinberg/rating.htm> on
March 6, 1998.
- Biography

Richard S. Rosenberg is a Professor in the Department of Computer Science, at the University of British Columbia. His research interests are in Artificial Intelligence (AI) and the social impact of computers. In AI, he has published in computational linguistics, with a special interest in natural language interfaces to databases and the Web. His work in the social impact of computers includes such areas of concern as privacy, freedom of expression, intellectual property rights, universal access, work and education. His most recent book is *The Social Impact of Computers, 2nd Edition*, San Diego, CA : Academic Press, 1997. He is vice-president of Electric Frontier Canada.